

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احكام

(أشنايي با احكام)

سال دوم آموزش متوسطه
رشته علوم و معارف اسلامي

۱۳۹۴

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب : احکام (آشنایی با احکام) - ۲۳۳/۱

شورای برنامه‌ریزی : حسین سوزنجی، سعید سید حسینی، محمود متوسل آرانی، محمد مهدی اعتصامی،

علی ناسخیان، حسن جعفریان و مهدی حاجیان

مؤلف : نورالدین شریک

ویراستار : محمدکاظم بهنیا

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹.

وب سایت : www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ : سید احمد حسینی

طراح جلد : جواد صفری

صفحه‌آرا : خدیجه محمدی

حروفچین : کبری اجابتی، زهرا ایمانی نصر

مصصح : فاطمه صفری ذوالفقاری، پری ایلخانی زاده

امور آماده‌سازی خبر : زینت بهشتی شیرازی

امور فنی رایانه‌ای : حمید ثابت کلاچاهی، ناهید خیام‌باشی

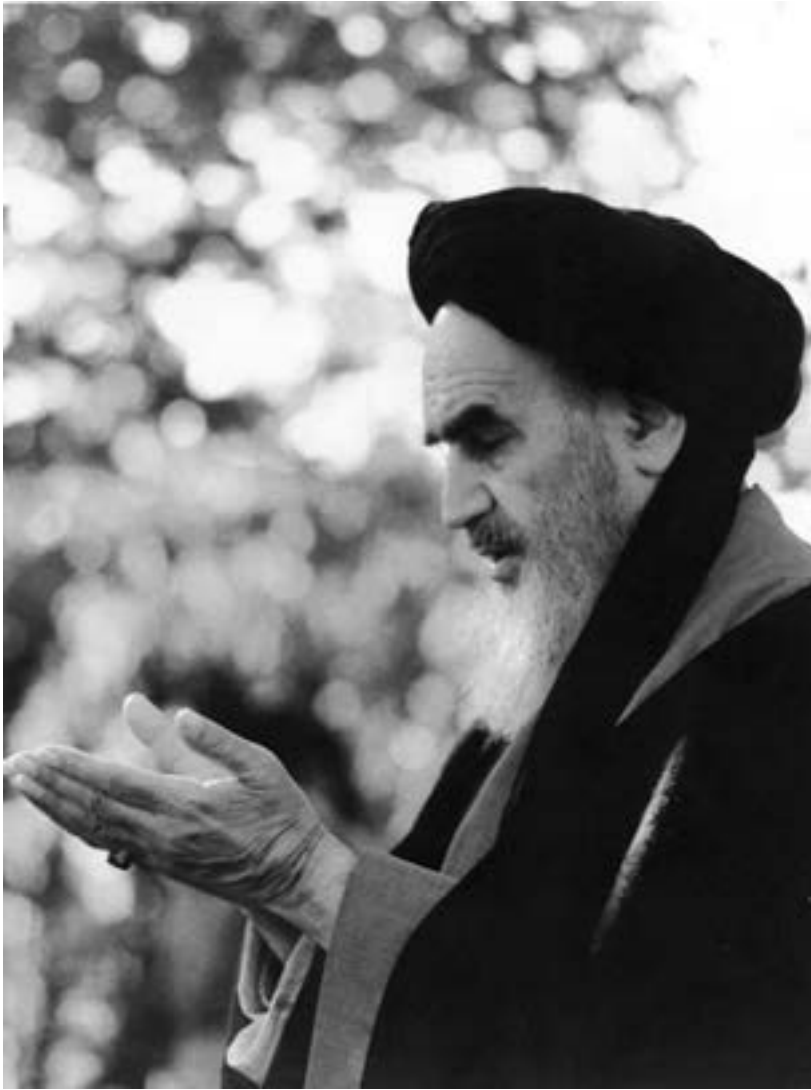
ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن : ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ چهارم ۱۳۹۴

حق چاپ محفوظ است.



امیدوارم که خداوند همه ملت‌ها را و خصوصاً ملت ایران را، موفق کند که به‌طور صحیح به احکام اسلام عمل کنند و متکی به الطاف عالی‌ه حق تعالی باشند.

صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۳۲۵

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب
 این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۵۵/۳۶۳ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)
 talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه تفریز

فهرست مطالب

- درس اول : امر به معروف و نهی از منکر (۱) ۱
 درس دوم : امر به معروف و نهی از منکر (۲) ۶
 درس سوم : دفاع و جهاد ۱۱
 درس چهارم : حدود معاشرت محرم و نامحرم ۱۶
 درس پنجم : احکام پوشش و نگاه ۲۰
 درس ششم : تفریح، قمار، موسیقی ۲۹
 درس هفتم : زکات ۳۴
 درس هشتم : خمس ۴۰
 درس نهم : وصیت ۴۴
 درس دهم : ارث ۴۸
 درس یازدهم : احکام کسب و کار ۵۴
 درس دوازدهم : معاملات حرام ۵۸
 درس سیزدهم : اصطلاحات اقتصادی اسلام (۱) ۶۴
 درس چهاردهم : اصطلاحات اقتصادی اسلام (۲) ۷۰
 منابع و مأخذ : ۷۴

سخنی با دبیران محترم

درس احکام یکی از دروس اصلی رشته علوم و معارف اسلامی بوده و آموزش آن از مهم ترین اهداف این رشته می باشد. گذشته از آشنایی و عمل به احکام و دستورات شرع، فهم نظام فقهی اسلام و آشنایی با فلسفه برخی دستورات، می تواند موجب فهم عمیق تر دین و برقراری ارتباط بهتر دانش آموز با مسائل فقهی گردد. آمیختن مباحث «فلسفه فقه» با «درس احکام» ضمن کاستن از خستگی این درس و تسهیل امر آموزش، به دقت بخشی در مطالعه مباحث دینی و زدودن شبهات احتمالی پیرامون آن، کمک بسزایی خواهد نمود.

کتابی که پیش رو دارید قسمت دوم و پایانی مجموعه کتاب احکام است که طبیعتاً شامل مباحث نماز، تقلید، روزه و دیگر مباحث کتاب نخست نیست. محتوای این کتاب بر طبق برنامه مصوب در دفتر تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تهیه گردیده است و مؤلف ملزم به رعایت مواد آن برنامه و لحاظ چارچوب های معمول کتاب های رسمی بوده است. لذا با توجه به محدودیت های ساعات درسی و حجم کتاب و برخی ملاحظات دیگر، مباحث مطرح شده صرفاً جنبه آشنایی با احکام را داشته و به هیچ وجه شامل تمام مسائل مربوط به آن بحث نمی شود. دبیر مربوطه، در صورت لزوم و به اقتضای شرایط، می تواند توضیحات و مثال های تکمیلی را به دانش آموزان ارائه و یا آنان را به رساله و دیگر کتب مرتبط راهنمایی نماید. در این کتاب سعی گردیده تا همان روالی که در درس دین و زندگی اجرا شده است دنبال شود و هر درس، شامل فعالیت، نکاتی برای مطالعه و پرسش هایی جهت مشارکت فعال دانش آموز در کلاس باشد. همچنین ترجمه برخی آیات و روایات نیز بر عهده دانش آموز گذاشته شده است تا در سایه آن، به طور غیر مستقیم، ادبیات عرب و نیز فهم قرآنی دانش آموز توسعه یابد. لازم به ذکر است که این کتاب نه به عنوان «خودآموز»، بلکه جهت تدریس توسط دبیر مجرب و آموزش دیده طراحی گردیده است، و پاسخگویی به سؤالات هر درس، مستلزم کمک و هدایت دبیر مربوطه است. جهت هماهنگی و مساعدت بیشتر، علاوه بر تدوین و توزیع کتاب راهنمای معلم، برگزاری دوره های ویژه جهت دبیران محترم، در دستور کار سازمان قرار داشته است.

در تألیف این کتاب که حاصل نظر جمعی و نگارش نهایی مؤلف محترم است، از آوردن اختلاف فنوا خودداری شده و در صورت لزوم، دانش آموزان به رساله مرجع تقلید خود ارجاع داده می شوند. هر چند محتوای دروس متشکل از متون مندرج در رساله های عملیه است، لیکن استناد احکام مذکور به شماره مسائل رساله، با توجه به اختلاف رساله های گوناگون، ذکر نگردیده است. البته یافتن شماره مسئله و صفحه مربوط به هر مبحث، با توجه به مختصر بودن نوع مسائل در رساله، بسیار آسان خواهد بود.

آشنایی با اصطلاحات فقهی گرچه برای دانش آموز رشته معارف می تواند مفید باشد، اما جهت جلوگیری از خاطره ناخوشایند درس احکام و با در نظر گرفتن سخنی نسبی این درس، از آوردن اصطلاحات تخصصی فقهی ممانعت به عمل آمد تا دانش آموز به جای تمرکز بر محتوا و مضمون، در دام صعوبت الفاظ و به خاطر سپاری آنها گرفتار نیاید. همچنین به صلاح دید شورا، از ذکر مستحبات و مکروهات و احکام مفصل خودداری گردیده و همت اصلی بر واجبات و اصول هر بحث متمرکز گشت. گفتنی است که درس «دین و زندگی» که اکنون در رشته «علوم و معارف اسلامی» تدریس می شود با انتشار تدریجی کتاب های «احکام»، «اخلاق» و «اصول عقاید»، از این رشته حذف خواهد شد. بنابراین، همپوشانی های احتمالی این کتاب و کتاب «دین و زندگی» جای اشکال و نگرانی نخواهد بود.

امید است با مطالعه و در میان گذاشتن نظرات پیشنهادی خود، ما را در جهت ارائه هر چه بهتر کتاب های درسی یاری نمایید.

خداوند همیشه یار و یاورتان باشد

دانش آموزان گرامی

سلام بر شما

خداوند منان که بهشت را منزلگاه نهایی انسان قرار داده، راه رسیدن به آن را نیز به انسان آموخته است؛ راهی که خوشبختی دنیا را نیز به همراه دارد.

و آفرین بر شما

که در رشته‌ای تحصیل می‌کنید که شناخت پیام نجات‌بخش الهی هدف آن است. کتابی که پیش‌رو دارید سعی دارد گوشه‌ای از احکام عملی اسلام را به ما بیاموزد، احکامی که در قالب رساله‌ عملیه با آن آشنا هستید. قطعاً احکامی که روشنی‌بخش راه زندگانی ماست بسیار فراتر از آن است که در صفحاتی محدود بگنجد، هر کدام از ما نیز مرجع تقلیدی داریم که منبع ما بر شناخت احکام است. پس در هر مسئله‌ای باید به رساله‌ عملیه مرجع تقلیدتان نیز مراجعه کنید و از دبیر گرامی کمک بگیرید.

احکام الهی مبتنی بر علم و حکمت است و قطعاً آنچه خدا از ما خواسته در رشد و بالندگی ما نقش دارد. سعی کنیم همیشه این را در خاطر داشته باشیم و با میل و رغبت به احکام عمل نماییم.

احکام الهی موضوعی است که در همه‌ زندگی با آن سروکار داریم و باید آنها را به کار گیریم؛ خواه دانش‌آموز باشیم و خواه دبیر، خواه بخواهیم این رشته را ادامه بدهیم خواه نه. پس چه بهتر که از این فرصت به بهترین نحو استفاده کنیم و آن را به کامل‌ترین شکل بیاموزیم.

موفق باشید و خدا یارتان باد

امر به معروف و نهی از منکر (۱)

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید.	كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ
به کار پسندیده فرمان می‌دهید	تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
و از کار ناپسند باز می‌دارید	و تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
و به خدا ایمان دارید.	و تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ

● قبل از پرداختن به احکام «امر به معروف» و «نهی از منکر» با مفهوم، جایگاه و شیوه‌های گوناگون آن آشنا می‌شویم.

الف) مفهوم «امر به معروف و نهی از منکر»

«معروف» به کار خوب و ارزشمندی گفته می‌شود که مورد تأیید عقل و شرع باشد. «منکر» نیز به کار زشت و ناپسندی اطلاق می‌شود که عقل و شرع آن را تأیید نکنند. در این درس، منظور از «معروف» فقط کارهای واجب، و مقصود از «منکر» فقط کارهای حرام است.

توصیه به انجام کار واجب را «امر به معروف» و توصیه به ترک گناه و کار حرام را «نهی از منکر» می‌گویند. این توصیه معمولاً از طریق گفتن انجام می‌شود، ولی منحصر به آن نیست، و به وسیله اشاره، تذکر کتبی و کلمات غیر مستقیم نیز می‌توان امر به معروف و نهی از منکر نمود.

لحن گفتار در امر به معروف و نهی از منکر همیشه یکسان نیست و بستگی به شرایط دارد؛ از توصیه دوستانه گرفته تا دستور جدی و لحن آمرانه. دقیقاً مانند پدر و مادری که برای تربیت فرزندشان گاهی با مهربانی، او را راهنمایی می‌کنند و گاهی با لحن شدید، او را توبیخ یا سرزنش می‌کنند. هدف

یک چیز است : کمک به فرزندشان و دورنگهداشتن او از خطرات و اشتباهات.
 «امر به معروف» و «نهی از منکر» در حقیقت دو واجب جداگانه‌اند که معمولاً با یکدیگر نام برده می‌شوند، و از نظر مفهوم و مصداق با یکدیگر تفاوت دارند. اگر واجبی، مانند نماز خواندن، ترک گردد، جای «امر به معروف» است، و اگر معصیتی، مانند غیبت یا دروغ انجام شود، محل «نهی از منکر» است. در نتیجه، این دو فریضه، کاربردهای جداگانه داشته و دو واجب به شمار می‌آید.



واژه «امر» در اصطلاح «امر به معروف» به چه معنایی است و با معنای رایج آن در زبان فارسی چه تفاوتی دارد؟

ب) اهمیت «امر به معروف و نهی از منکر»

اگر در یک جامعه «امر به معروف و نهی از منکر» ترک شود، سایر واجبات، مانند نماز و روزه، نیز کم کم به فراموشی سپرده خواهد شد. به همین دلیل در روایات، «امر به معروف و نهی از منکر» از واجبات دیگر، برتر شمرده شده و نسبت به بی‌اعتنایی به آن هشدار شدید داده شده است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید :

«اگر همه اعمال نیک و (حتی) جهاد در راه خدا را با «امر به معروف و نهی از منکر» مقایسه کنید؛ مانند قطره‌ای در برابر دریاست».^۱

آن حضرت در سخنی دیگر درباره ترک «امر به معروف و نهی از منکر» می‌فرماید : «خداوند سبحان مردمان گذشته را تنها به این دلیل از رحمت خویش محروم ساخت که «امر به معروف و نهی از منکر» را ترک کردند».^۲

در قرآن کریم نیز حکایت عبرت آموزی درباره بی‌توجهی برخی نسبت به گناهان دیگران نقل

۱- «وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُنُهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَسَةٍ فِي

بَحْرِ لُجِّي» نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

شده که نتیجه آن چنین است: «تنها کسانی را که «نهی از منکر» کردند نجات دادیم و بقیه را به سبب گناه، یا ترک نهی از منکر به عذابی سخت مبتلا نمودیم».^۱



با توجه به آیه ابتدای درس، چه ارتباطی میان رواج «امر به معروف و نهی از منکر» و یک جامعه نمونه وجود دارد؟
.....
.....

ج) شیوه‌های «امر به معروف و نهی از منکر»

همان‌طور که اشاره شد امر و نهی، شیوه‌های گوناگون دارد: از توصیه دوستانه تا دستور آمرانه. از گفتار صریح تا درخواست غیرمستقیم. قهر و مبارزه منفی تا قیامت و حرکت. چنان‌که قیام امام حسین (علیه‌السلام) برای تحقق این دو فریضه صورت گرفته است.

امر به انجام دادن کارهای واجب، امری واجب و سفارش کردن به انجام مستحبات، امری مستحب به‌شمار می‌رود. همین‌طور زشتی برخی گناهان، شدیدتر بوده و نهی از آنها اولویت بیشتری دارد. به همین جهت، «نهی از منکر» یک حاکم ظالم، و یا «امر به معروف» مسئولان حکومتی، از با ارزش‌ترین اعمال محسوب شده و نتایج آن به مراتب از امر و نهی‌های جزئی بیشتر است. قیام مردم ایران بر علیه شاه و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، نمونه‌ای از این نوع امر به معروف و نهی از منکرهاست. امروزه رسانه‌های صوتی و تصویری و مکتوب تأثیر فراوانی در هدایت افکار عمومی جامعه دارند و با روش‌های پیشرفته، ارزش‌های یک جامعه را دگرگون می‌کنند. این کار نه با نام «امر به معروف و نهی از منکر»، بلکه با عنوان جذاب تبلیغات و به‌طور غیرمستقیم و غیرمحسوس صورت می‌گیرد. تأمل در این شیوه‌ها، راهنمای ارزنده‌ای جهت شناخت روش‌های مناسب «امر به معروف و نهی از منکر» خواهد بود.

روش‌های غیرمستقیم به علت اینکه مقاومت کمتری در برابر آن صورت می‌گیرد و مخاطب احساس شرمندگی و حقارت نمی‌کند، مؤثرتر از روش‌های مستقیم و اشاره صریح است، ولی به‌کارگیری این روش‌ها نیازمند ابتکار و به‌کارگیری اندیشه است. نمونه مشهور این روش، رفتار

۱- سورة اعراف، آیه ۱۶۵.

امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) در سنین کودکی با پیرمرد مسلمانی است که اشتباه وضو می‌گرفت و آن دو بزرگوار، از پیرمرد درخواست کردند که قضاوت کند کدام یک بهتر وضو می‌گیرد. و بدین صورت بدون هیچ کلامی، پیرمرد اشتباه خود را متوجه شد و از آن دو تشکر نمود.^۱ نمونه دیگر، برخورد امام کاظم (علیه السلام) با بُشر حافی است که در خانه‌اش مجلس عیش و نوش برقرار بود و امام خطاب به خدمتکار وی فرمود: «صاحب این منزل بنده است یا آزاد؟» زمانی که خدمتکار با غرور پاسخ داد: «صاحب اینجا آزاد است»، امام فرمود: «بله .. آزاد است، اگر بنده بود این‌طور در منزلش بساط گناه برپا نمی‌کرد.» هنگامی که این جملات سنجیده به گوش صاحبخانه رسید او را سخت متحول کرد و پابره‌نه به دنبال امام افتاد و از گناه خود چنان توبه نمود که شمه‌ه تاریخ گشت.^۲



چند نمونه از روش‌های غیرمستقیم امر به «معروف» و نهی از «منکر» را در جامعه مثال بزنید.

.....

.....

.....

د) امر به معروف، وظیفه حکومت است یا مردم؟

سکوت نکردن در برابر انحراف و ظلم، وظیفه همه است و اختصاص به عده‌ای خاص ندارد. همان‌طور که افراد یک جامعه، وظیفه دارند یکدیگر و مسئولان را «امر به معروف و نهی از منکر» کنند، حکومت نیز وظیفه دارد مانع انجام منکر و ترک معروف در جامعه گردد. در گذشته‌ای نه چندان دور، تشکیلاتی به نام «حسبیه» در حکومت‌های اسلامی وجود داشت که بر کارهای اجتماعی مردم و کسب و کار آنها نظارت می‌کرد. همان کاری که امروزه «شهرداری»ها و «نیروی انتظامی» انجام می‌دهند. اما به تدریج این نهاد حکومتی کم‌رنگ شد و از میان رفت. امروزه نیز، از سویی وظیفه حکومت است که مردم را به معروف دعوت کند و از منکرات

۱- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۸۴

۲- الکنی واللقاب محدث قمی ج ۲، ذیل عنوان «الحافی» ص ۱۵۳ به نقل از علامه در منهاج الکرامه

باز دارد و از سوی دیگر وظیفه مردم است که اگر منگری از مسئولی دیدند، ساکت نشینند و به نحو مناسب جلوی او را بگیرند. در این میان، مطبوعات و رسانه‌ها می‌توانند نقش پررنگ‌تری ایفا کنند.



بیندیشید و پاسخ دهید



- ۱- انسان در زندگی خود به طور ناخودآگاه «امر به معروف یا نهی از منکر»های فراوانی انجام می‌دهد. نمونه‌هایی از آن را در زندگی خود بیابید و در کلاس مطرح نمایید.
- ۲- چرا افراد گناهکار با آنکه خود به گناه آلوده‌اند، گاه دیگران را به ناپاکی متهم و آنها را سرزنش می‌کنند؟
- ۳- با انجام گناه در جامعه، چه ضررهایی به دیگران می‌رسد؟
- ۴- هدف و ثمره «نهی از منکر» چیست؟
- ۵- ترک «امر به معروف و نهی از منکر» چه ضررهایی را متوجه خود فرد می‌کند؟

امر به معروف و نهی از منکر (۲)

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۱

و باید از میان شما، گروهی (مردم)
را) به کارهای خیر دعوت کنند،
به کار نیک فرمان دهند
و از کارهای زشت باز دارند.
آنان همان رستگاران اند.

● در درس قبل با مفهوم، اهمیت و انواع «امر به معروف و نهی از منکر» آشنا شدیم. در این درس، شرایط و جوب، روش انجام و مراتب امر به معروف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط و جوب

«امر به معروف و نهی از منکر» جزء واجبات کفایی است؛ یعنی کارهایی که انجام آن بر همه واجب است و اگر همه از انجام آن شانه خالی کنند، همگی گناهکار خواهند بود. در صورت مشاهده ترک واجب یا ارتکاب معصیت و وجود برخی شرایط، «امر به معروف و نهی از منکر» بر افراد مطلع واجب می‌شود.

این شرایط عبارت‌اند از:

۱- تشخیص معروف و منکر: اولین شرط امر به معروف و ناهی از منکر، اطلاع از احکام شرع و موارد واجب و حرام است. اگر آمر و ناهی، علم کافی نداشته باشد و مصادیق معروف و منکر را به درستی تشخیص ندهد، به جای کمک به تقویت دینداری در جامعه، موجب گمراهی مردم و تبدیل

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۴

مستحبات به واجبات یا مکروهات به محرمات، می‌شود. بنابراین، شرط اول آن است که بدانند آنچه ترک شده، واجب بوده است و آنچه انجام گرفته منکر است.

۲- مفسده نداشتن: اگر نهی، موجب مفسده بزرگ‌تر از ترک واجب یا انجام منکر باشد، نه تنها واجب نیست؛ بلکه حرام است؛ مثلاً اگر نهی از منکر در حضور دیگران، موجب ریختن آبروی فرد مسلمان در جامعه شود، جایز نیست و باید به زمان و مکان مناسب‌تری موقوف شود. همچنین اگر این کار مستلزم انجام گناهی دیگر باشد جایز نیست؛ مانند ورود به حریم شخصی افراد، تجسس آن افشای سِر و ...؛ زیرا تجسس در امور شخصی افراد جایز نیست و حرام است.

۳- قصد تکرار گناه: در صورتی که فرد خطاکار از کار خود پشیمان شده و قصد انجام مجدد گناه را نداشته باشد، وجوب تذکر ساقط می‌شود.

۴- احتمال تأثیر: از دیگر شرایط وجوب، مؤثر بودن یا احتمال تأثیر است. اگر قرائن به گونه‌ای است که شخص تشخیص می‌دهد «امر به معروف و نهی از منکر» تأثیر نمی‌گذارد، بر او واجب نیست، گرچه ممکن است مستحب باشد. اگر احتمال تأثیر عکس دهد، انجام آن جایز نیست؛ بلکه باید با تغییر روش و در فرصت و شرایط مناسب به انجام آن اقدام کند.

گاهی تأثیر، مستلزم تکرار امر و نهی و مداومت در گفتن است که در این صورت، عدم تأثیر یک باره، موجب رفع وجوب امر به معروف نمی‌شود و باید تذکر را تکرار نمود. گاهی نیز تغییر رفتار، مستلزم صبر و مداومت چند ماهه یا چندین ساله است.

به طور کلی، کمتر موردی یافت می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر بی تأثیر باشد؛ آنچه مهم است یافتن شیوه و روش مناسب می‌باشد.

* تذکر: کسی که «امر به معروف یا نهی از منکر» می‌کند، خودش نیز باید عامل به معروف و تارک منکر باشد تا سخنش در دیگران تأثیر بگذارد. و در حقیقت چه کسی سزاوارتر از خود، برای اجرای آن معروف که دیگران را به سوی آن فرا می‌خوانیم؟ بنابراین، هم خودمان به دستورات دین عمل کنیم و هم دیگران را به آن فرا بخوانیم. البته عمل به گفتار خود، شرط وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» نیست و بهانه‌ای جهت انجام ندادن آن به شمار نمی‌رود، ولی شرط تأثیر در مخاطب است.

هیچ یک از ما معصوم نیستیم و ممکن است گاهی مرتکب خطا یا اشتباه شویم. همین اندازه که نسبت به آن کاری که می‌خواهیم به آن، امر یا نهی کنیم عامل باشیم، کافی است تا مورد اعتراض قرار نگیریم. البته سخن افراد پاکیزه و درستکار، به مراتب تأثیر بیشتری نسبت به افراد عادی دارد و همان‌طور که در کتاب‌های اخلاقی نمونه‌هایی از این تأثیرات ذکر شده، گاهی موجب تحول افراد گناهکار می‌گردد.

شنیدن موعظه از شخصی که خود به آن عمل نمی‌کند، چه تأثیری می‌تواند بر ما داشته باشد؟



ب) مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای انجام «امر به معروف و نهی از منکر» مراتبی وجود دارد که شامل درجات خفیف تا شدید است، و تا زمانی که درجه خفیف کافی باشد نباید از درجه شدیدتر استفاده نمود. این مراتب، عبارت‌اند از:

۱- **مرتبه قلبی**: در این مرتبه، شخص، ناراحتی قلبی خود را به سبب مشاهده گناه، از طریق چهره، طرز نگاه یا رفتار به مخاطب انتقال می‌دهد و به مخاطب می‌فهماند که کارش اشتباه است و مورد رضایت و تأیید نیست. این مرتبه خود دارای درجات متعدد است که از حالت صمیمانه و دوستانه آغاز، و به حالت جدی و غیر محبت‌آمیز می‌تواند منتهی شود.^۱

۲- **مرتبه زبانی**: در صورتی که مخاطب با زبان رفتار متوجه زشتی عمل خود نشود و از آن دست بردارد، نوبت به مرحله زبانی می‌رسد؛ صحبت، سؤال، نصیحت، تشویق و توصیه، از درجات خفیف این مرتبه‌اند؛ گاهی نیز لازم است از مراحل شدید زبانی مانند سرزنش و بازخواست استفاده نمود. تشخیص مرحله و درجه مناسب، بستگی به شرایط زمانی و مکانی دارد و باید با دقت تمام، صورت گیرد.

۳- **مرتبه عملی**: این مرتبه عبارت است از دور نمودن ابزار گناه، جلوگیری از انجام گناه، تدبیر عملی برای انصراف فرد از معصیت و مشغول نمودن وی به کارهای مفید، آموزش عملی ترک منکر و انجام معروف از طریق عمل به معروف و ترک منکر و الگو بودن برای دیگران، و به طور کلی؛ تمام اقدامات عملی جهت دور نمودن فرد از محیط گناه.^۲

۱- با اینکه اثرات این مرتبه گاهی مؤثرتر از مرتبه زبانی است، بسیاری از متدینین از اهمیت آن غافل‌اند و فقط از تذکر زبانی استفاده می‌کنند. گاهی نیز در صورت مؤثر واقع نشدن تذکر زبانی، استفاده از این مرتبه (مانند قهر کردن یا بی‌اعتنایی کردن) بسیار مؤثر است.

۲- برای آگاهی بیشتر درباره امر به معروف عملی رجوع کنید به: حماسه حسینی، ج ۲، ص ۹۶ به بعد.

* تذکر : مراحل شدید استفاده از زور که ممکن است به ضرب و جرح منجر شود جایز نیست، مگر در مورد دفاع از جان و ناموس خود یا دیگران. همچنین اگر اسلام در خطر باشد، با اذن امام معصوم (علیه السلام) یا ولی فقیه باید به مقابله با دشمنان اسلام پرداخت. از این رو، جهاد در برابر دشمنان نیز نوعی «امر به معروف و نهی از منکر» عملی محسوب می شود.



برای مطالعه

حکایتی درباره «امر به معروف و نهی از منکر» به شیوه جاهلانه

شهید بزرگوار مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) چندین حکایت از روش های نادرست امر به معروف و عواقب آن را نقل نموده که یکی از آنها چنین است :

«یکی از آقایان نقل می کرد که مردی در مشهد، نه تنها نماز نمی خواند و روزه نمی گرفت؛ بلکه به هیچ چیزی اعتقاد نداشت؛ یک آدم ضدّ دین بود؛ می گفت مدت زیادی با این آدم صحبت کردیم تا اینکه نرم شد و روش خود را به کلی تغییر داد و واقعاً معتقد و مؤمن شد. نمازش را می خواند و روزه اش را می گرفت و مقید شده بود که نمازش را با جماعت در مسجد گوهرشاد بخواند. در جلسات مذهبی ما هم شرکت می کرد. مدتی دیدیم که از این آقا خبری نیست. گفتیم لابد رفته است مسافرت، ولی رفقا گفتند اینجاست و نمی آید. تحقیق کردیم ببینیم علت چیست که یک مرتبه از دین و مذهب رو برگردانده؟ به سراغش رفتیم. معلوم شد قضیه از این قرار بوده است :

پس از چند روز که به نماز جماعت می رفت و در صف چهارم، پنجم می ایستاد، یک روز یکی از مقدس مآب هایی که در صف اول پشت سر امام می نشست موقع نماز از صف اول بلند می شود و می آید و روبه روی این آدم می نشیند و می گوید : «آقا! یک سؤال از شما دارم! شما مسلمان هستید یا نه؟» این بیچاره با تعجب پاسخ داد : «این چه سؤال الی است که شما می کنید؟ اگر مسلمان نباشم، پس در صف جماعت مسجد چه کار می کنم؟»! جواب داد : «اگر مسلمانی پس چرا ریشت را این طور کرده ای؟». او هم به شدت ناراحت شده، برمی خیزد و می گوید : «این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان!». رفت که رفت»^۱.

استاد ضمن نقل این حکایت و تأسف درباره آن می‌گوید: «این هم یک جور به اصطلاح «نهی از منکر» کردن است. یعنی فراری دادن و بیزار کردن مردم از دین!». برای همین ائمه دین فرموده‌اند: جاهل بهتر است امر به معروف و نهی از منکر نکند؛ زیرا جاهل هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند می‌خواهد بهتر کند؛ اما بدتر می‌کند. شاید شما بگویید ما جاهلیم، پس امر به معروف و نهی از منکر از ما ساقط شد! اما جواب شما را داده‌اند؛ خدا عقل را برای چه آفریده است؟ برای اینکه بفهمی، تحقیق کنی. تو باید از آن کسانی باشی که نه تنها اوضاع زمان خودت را درک کنی؛ بلکه آینده را نیز بفهمی و درک کنی»^۱.



بیندیشید و پاسخ دهید



- ۱- تفاوت انسان فاسق را با انسانی که ناخواسته مرتکب گناهی شده است بیان نموده، روش نهی از منکر هر یک را توضیح دهید.
- ۲- مضرات روش های نادرست «امر به معروف و نهی از منکر» را بشمارید.
- ۳- آیا توهین، سرزنش، تحقیر، ضرب و شتم، و هتک آبرو، جزء روش‌های «امر به معروف و نهی از منکر» محسوب می‌شوند؟ چرا برخی افراد از این روش‌ها استفاده می‌کنند؟
- ۴- در حکایت پیشین، اشتباه عمده‌ای که از سوی آن فرد مقدس مآب صورت گرفت، چیست؟ و شیوه صحیح نگرش و رفتار را در موارد مشابه بیان نمایید.



دلایل کم‌رنگ شدن «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه را برشمارید و راه‌های گسترش «معروف» را در جامعه پیشنهاد دهید.

۱- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۸۲ و ۸۳

دفاع و جهاد

بر شما کارزار (در راه خدا) تکلیف شده	كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ
ولی برایتان ناخوشایند است.	وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ
و چه بسا چیزی را خوش نمی دارید،	وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا
ولی خیر شما در آن است،	وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ
و چه بسا چیزی را دوست دارید،	وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا
ولی برای شما بد است.	وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ^۱

● در دو درس قبلی به «امر به معروف و نهی از منکر» پرداختیم و در این درس با احکام دفاع و جهاد که نوعی از نهی از منکر به شمار می‌رود، آشنا می‌شویم.

الف) مفهوم جهاد

جهاد عبارت است از تلاش و مبارزه در راه خداوند و دفاع از مسلمانان و مظلومان، به منظور برپاداشتن حق و عدالت و برطرف ساختن ظلم و تجاوز و فتنه و فساد.

ب) انواع جهاد

جهاد انواعی دارد:

- ۱- جهاد دفاعی: عبارت است از دفاع در برابر تجاوز دشمن به حریم مسلمانان.
- ۲- جهاد ابتدایی: عبارت است از جهاد با کفار برای برچیدن نظام ظلم و گسترش عدالت. هدف از این نوع جهاد، کشورگشایی نیست؛ بلکه هدف آن، رفع موانع سلطه‌گران و بهره‌مندی مردم از حق هدایت و آشنایی با اسلام، و برخورداری از حق آزادی و عدالت است.

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۶

- ۱- برای هر یک از اقسام جهاد، یک یا چند مثال تاریخی بزنید.
- ۲- این جمله را توضیح دهید: «جهاد ابتدایی نیز گونه‌ای از جهاد دفاعی است».

به این آیات توجه کنید:

- ۱- «و بجنگید - در راه خدا- با کسانی که به جنگ با شما برخاسته‌اند، ولی از حد تجاوز نکنید که خداوند متجاوزان را دوست ندارد».^۱
- ۲- «و اگر دو گروه مؤمن، به منازعه برخاستند، بین آن دو صلح برقرار کنید. و اگر یکی از آنها، بر دیگری حمله کرد، با گروه متجاوز بجنگید تا به اطاعت امر خداوند بازگردد؛ و در صورت بازگشت، در میان آن دو صلح و آشتی عادلانه برقرار سازید».^۲
- ۳- «و با آنها بجنگید، تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین، مخصوص خداوند گردد. و اگر (از روش خود) دست برداشتند، تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست».^۳

- ۱- موارد صحیح جنگ با دشمن و موارد آتش‌بس با دشمن را با توجه به آیات قرآن بیان کنید.
- ۲- تفاوت آتش‌بس با دشمن، به سبب مصالح شرعی و عقلی، با سازش و ترس از دشمن را توضیح داده، معیارهایی جهت تشخیص این مصالح ارائه دهید.



ج) انواع دفاع

- دفاع انواع گوناگونی دارد که در اینجا به بررسی دو نوع مهم آن می‌پردازیم:
- ۱- دفاع از کیان اسلام و حریم مسلمانان: اگر دشمن، به شهر یا منطقه‌ی مرزی مسلمانان

۱- بقره، ۱۹۰

۲- حجرات، ۹

۳- بقره، ۱۹۳

هجوم آورد، و خطر، جامعه اسلامی و مسلمانان را تهدید کند، بر همه واجب است تا به هر وسیله ممکن، با بذل مال یا جان خویش، از حریم اسلام و مسلمانان دفاع نمایند و به اجازه امام معصوم یا ولی فقیه نیازی نیست. کشتگان در این دفاع، شهید محسوب می‌شوند.

تهاجم دشمن گاهی نظامی است و گاهی فرهنگی؛ گاهی جهت تصرف سرزمین یا بخشی از آن است و گاهی جهت تسلط سیاسی یا اقتصادی بر جامعه. گاه مسلمان اند و گاه غیر مسلمان. در تمام این حالات بر هر مکلف واجب است از وطن، فرهنگ، مال و جان و ناموس مسلمانان محافظت کرده و با کمک مالی، فکری، عملی و اهدای جان خود، به دفاع برخیزد.

اگر این خطر وجود داشته باشد که کفار از نظر سیاسی و اقتصادی بر مسلمانان مسلط شوند، دفاع واجب است؛ چه از طریق مقابله به مثل و به کارگیری وسایل و روش‌های دشمن، و چه از طریق مقاومت منفی و تحریم کالای دشمن، یا قطع ارتباط سیاسی، اقتصادی با آنان.



با توجه به مطالب بالا، پاسخ پرسش‌های زیر را بیابید:

- ۱- مقصود دشمن از حمله به کشورهای مسلمان، تأمین چه اهدافی است؟
- ۲- در جهان امروز، چه توجیهاتی برای تهاجم به کشورها یا شهرها به کار گرفته می‌شود؟
- ۳- کوتاه آمدن مسلمانان در برابر بیگانگان چه عواقبی به همراه دارد؟

آشنایی با برخی احکام و آداب دفاع و جهاد

● دفاع از اسلام و مسلمانان واجب است و نیازمند اجازه والدین نیست، هر چند سزاوار این است که حتی المقدور رضایت آنان نیز جلب شود.

● فردی که در میدان جهاد با کفار یا مشرکان کشته می‌شود، بدون غسل و کفن و با همان لباس‌های جنگ به خاک سپرده می‌شود. اما افرادی که خارج از معرکه جهاد به شهادت می‌رسند، باید غسل و کفن شوند.

- تمام گناهان شهید، به جز حق الناس، به هنگام شهادت بخشیده می‌شود.
- از آداب جهاد این است که در صورت امکان، ابتدا دشمن را موعظه کنند، و در صورتی که

صادقانه پذیرفتند، با آنان قرارداد صلح امضا نمایند. مسلمانان وظیفه دارند تا زمانی که دشمن آن را نقض نکند، به این قرارداد پایبند باشند و مال و جان آنان را محترم شمارند.

● سرنوشت افرادی که در جنگ به اسارت درمی‌آیند در اختیار امام معصوم (علیه‌السلام) یا ولی فقیه است.

۲- دفاع از جان، ناموس و اموال خود: دفاع از جان و ناموس و مال خود، در برابر افراد ظالم و متجاوز واجب است و در صورت کشته شدن، اجر شهید را خواهد داشت؛ ولی به خطر انداختن جان، به واسطه گفتار بی‌ثمر یا رفتار نسنجیده، در جایی که ضرورت یا فایده‌ای ندارد، جایز نیست و حتی امر به معروف نیز محسوب نمی‌شود.

اگر فرد متجاوز، به انسان هجوم آورد و خواست او را به قتل برساند، واجب است به هر وسیله ممکن، او را دفع کند و جایز نیست که تسلیم وی شده، تن به ظلم دهد. و اگر امکان داشته باشد که از جنگ مهاجم فرار کند، چنین کاری جایز است و اگر متجاوز پا به فرار گذاشت جایز نیست به او ضربه‌ای وارد کرد، وگرنه ضامن هستیم.

اگر مهاجم قصد جان یا ناموس فرد را داشته باشد، حتی اگر دفاع کننده یقین دارد که مقابله با او سودی ندارد و در این دفاع کشته می‌شود، دفاع کردن واجب است. اما اگر قصد مهاجم فقط بردن اموال او باشد، اگر یقین داشته باشد که در هنگام دفاع کشته می‌شود، دفاع واجب نیست؛ زیرا حفظ جان از حفظ مال مهم‌تر است. و اگر به تنهایی قدرت دفاع از جان خود نداشته باشد، کمک گرفتن از دیگری واجب است؛ هر چند که او کافر باشد.



- ۱- چرا تسلیم نشدن در برابر ظلم، مورد تأکید اسلام است؟
- ۲- چرا یاری گرفتن از کافر، برای دفع ظلم، ناپسند نیست؟

دفاع از خویشان و بستگان مانند فرزند، همسر و دفاع از افراد مظلوم و بی‌گناه، مانند دفاع از خود واجب و احکام آن یکسان است.

در دفاع، رعایت مراتب، لازم است و تا زمانی که با اقدام خفیف‌تر می‌توان خطر را برطرف نمود، نباید دست به کار شدیدتر زد؛ مثلاً اگر مهاجم با تهدید یا بستن دست و پا یا مجروح ساختن از کار خود دست برمی‌دارد، باید به همان اکتفا نمود. و اگر دفع تجاوز فقط به وسیله کشتن متجاوز میسر

می‌شود، جایز است او را به قتل برساند.^۱
اما اگر بداند که با مراعات ترتیب، وقت از دست می‌رود و دزد یا ظالم، بر جان یا ناموس وی غالب می‌شود رعایت ترتیب لازم نیست.

برای مطالعه

اگر دو نفر به ناحق با یکدیگر درگیر شوند، آغازکننده ضامن است و دفاع‌کننده ضامن نیست، اما اگر همزمان به یکدیگر حمله‌ور شده باشند، هریک ضامن جنایت وارده بر دیگری است، و اگر در هنگام درگیری، یکی دست از حمله بردارد و دیگری به او حمله کند و خسارتی بر او وارد آورد، تنها او ضامن است.



بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- هدف از تشریح حکم جهاد را در اسلام بیان نمایید.
- ۲- تفاوت جهاد با جنگ افروزی چیست؟



پیشنهاداتی برای تحقیق درسی

- ۱- برخی معتقدند جنگیدن و دفاع، به هیچ وجه صحیح نیست، و برای پرهیز از جنگ و درگیری، باید از حق خود گذشت و به برخی از خواسته‌های دشمن تن داد. نظر شما درباره این عقیده و عواقب آن چیست؟ آیا چنین روشی در جهان امروز امکان‌پذیر است؟ نمونه‌های آن را بیان نمایید.
- ۲- قیام کربلا، انقلاب اسلامی ایران، هشت سال دفاع مقدس، جنگ ۳۳ روزه لبنان و دفاع ۲۲ روزه غزه، نمونه‌هایی از جهاد و دفاع اسلامی‌اند. یکی از این موارد را از لحاظ هدف و شرایط تحلیل کنید و به اشکالات مخالفان جهاد پاسخ دهید.

۱- در مواردی که برای دفاع از خود، زدن و زخمی کردن و کشتن مهاجم جایز است، منظور جواز شرعی است؛ اما از نظر قانونی، قاضی طبق ظاهر و موازین قضایی حکم می‌کند. بنابراین، اگر کسی را به قتل برساند و شهادی بر حقانیت خود نداشته باشد، قاضی مطابق مقررات، وی را محکوم به قصاص می‌کند.

حدود معاشرت محرم و نامحرم

پس یکی از آن دو زن (دختران شعیب)	فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا
در حالی که با حیاراه می‌رفت،	تَمْشَى عَلَى اسْتِحْيَاءٍ
نزد وی (حضرت موسی) آمد (و) گفت: پدرم	قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ
از شما دعوت می‌کند	
تا (به نزدش برود و او) پاداش آب دادن	لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا
(به گوسفندان ما) را به شما پرداخت کند.	سَقَيْتَ لَنَا.

● این درس نیز مانند دو درس پیشین دربارهٔ احکام اجتماعی اسلام است. در این درس با احکام مربوط به حدود ارتباطات محرم و نامحرم آشنا خواهیم شد.

مقدمه

مردم هر جامعه، اعم از مرد و زن، در زمینه‌های گوناگون با یکدیگر در ارتباط‌اند و در این ارتباط گاهی نیازمند گفت‌وگو، دیدار و تبادل نظرند. این امور شامل مسائل اقتصادی (خرید و فروش)، اجتماعی (رابطه با اقوام، همسایگان، دوستان و دیگران) و آموزشی می‌گردد. شکل این روابط در هر جامعه‌ای آداب و رسوم مربوط به خود را دارد. دین اسلام نیز در مورد نحوهٔ ارتباط صحیح و مناسب با دیگران، احکامی مقرر کرده که در اینجا برخی از آنها که مربوط به ارتباط محرم و نامحرم است مطرح خواهد شد.

الف) فلسفه تبیین حدود معاشرت

احکام دستورات دین در حوزهٔ محرم و نامحرم که به‌عنوان «بهترین روش در تعامل افراد اجتماع»، از سوی خداوند حکیم به جهانیان ارائه شده است، جهت برقراری روابط سالم اجتماعی، تأمین سلامت روحی و روانی افراد، استحکام بنیان خانواده، و نیز حضور بدون مفسده‌ای مردان و زنان در فعالیت‌های اجتماعی وضع شده و اجرای آن موجب کاهش جرم و جنایت، مزاحمت‌های اجتماعی، اختلافات خانوادگی، و امکان حضور بدون دغدغهٔ افراد «عفیف»، «پاک» و «باغیرت»، با رعایت آراستگی ظاهری در جامعه خواهد شد.

ب) تعریف محرم و نامحرم

افراد جامعه به دو گروه «محرم» و «نامحرم» تقسیم می‌شوند؛ محرم کسی است که از بستگان درجه اول محسوب می‌شود و ازدواج با او برای همیشه ممنوع است؛ مانند پدر و مادر و برادر و خواهر. محارم می‌توانند با یکدیگر صحبت محبت‌آمیز داشته باشند، به چهره و موی دیگری نگاه بیندازند. دست دادن و دیده‌بوسی میان محارم مجاز است. «نامحرم» کسی است که معاشرت با وی محدودیت‌های شرعی و عرفی دارد و تنها با ازدواج، این محدودیت‌ها برداشته می‌شود.

ج) انواع محارم

محارم به سه گروه تقسیم می‌شوند: نسبی، سببی و رضاعی.

۱- نسبی (خویشاوندی): یعنی کسانی که به‌واسطهٔ خویشاوندی با انسان «محرم» می‌باشند. این گروه عبارت‌اند از: پدر، مادر، فرزند، خواهر، برادر، دایی، عمو، خاله، عمه، پدربزرگ، مادربزرگ، نوه، فرزند خواهر (خواهرزاده)، فرزند برادر (برادرزاده). بنابراین، دخترعمو، پسرعمو، دختردایی، پسر دایی، دخترخاله، پسرخاله، دخترعمه، پسرعمه، گرچه از خویشان هستند، اما همگی «نامحرم» هستند. همچنین زن‌عمو، زن‌دایی، شوهرخاله، و شوهرعمه نیز «نامحرم» می‌باشند. «فرزندخوانده» نیز حکم فرزند حقیقی را ندارد و «نامحرم» محسوب می‌شود.

۲- سببی: یعنی کسانی که به‌سبب ازدواج با انسان «محرم» می‌شوند و عبارت‌اند از: همسر، مادر همسر، پدر همسر، همسر فرزند (داماد یا عروس)، همسر پدر (نامادری)، همسر مادر (ناپدیری). این

محرمیت‌ها در تمام موارد دائمی است^۱، به جز زن و شوهر که در صورت طلاق، و پس از گذشت عده، به یکدیگر نامحرم می‌شوند.

❖ **تذکر مهم:** شوهر خواهر، زن برادر، خواهر زن، و برادر شوهر، همگی نامحرم‌اند. این را هم بدانیم که خواهر زن، با وجود اینکه نامحرم است، ازدواج با او جایز نیست، اما اگر همسر انسان فوت نماید یا طلاق صورت گیرد، ازدواج با وی جایز خواهد بود.

۳- رضاعی: یعنی کسانی که به واسطهٔ «شیر خوردن از یک مادر، با یکدیگر محرم می‌شوند» اگر مادری بچهٔ شیرخوارهٔ دیگری را، با شرایطی که در کتاب‌های فقهی آمده است، شیر دهد، فرزند رضاعی آن مادر محسوب شده، و علاوه بر محرمیت با آن مادر، با نوزادانی که از آن مادر شیر خورده‌اند، محرم می‌شود؛ البته این محرمیت فقط مخصوص طفل شیرخوار بوده و شامل برادر یا خواهر وی نمی‌گردد.



شرایط تحقق محرمیت رضاعی را از رساله‌های توضیح المسائل استخراج و در کلاس درس ارائه کنید.

(د) حدود و احکام ارتباط با نامحرم

۱- تماس بدنی: هرگونه تماس بدنی با نامحرم، حتی اگر با واسطه هم باشد، حرام است. و فقط محارمانند که حق دارند در معاشرت‌های خود، با یکدیگر دست داده، روبوسی کرده و یکدیگر را در آغوش بگیرند.

۲- خلوت با نامحرم: حضور دو نامحرم در مکانی که شخص دیگری به آنجا رفت و آمد ندارد حرام است، حتی اگر برای کار خیر باشد. باقی ماندن در آن مکان حرام و حتی نماز خواندن در آن مکان اشکال دارد. آن دو نفر در صورت مواجه شدن با چنین شرایطی، واجب است فوراً آنجا را ترک کنند.

۳- گفت و گو: گفت و گو با نامحرم در صورت ضرورت، با رعایت حدود شرعی جایز، و بیش از حد ضرورت، مکروه است. اما ارتباط صمیمانه و دوستی با نامحرم، هرچند به قصد کسب

۱- به‌عنوان نمونه، محرمیت با مادرزن و حتی پس از جدایی زن از شوهر از بین نمی‌رود.

تجربه یا همسریابی باشد، جایز نیست. روش برقراری ارتباط نیز تفاوتی ندارد؛ هرگونه نامه‌نگاری، ارتباط اینترنتی (چت)، پیامک یا گفت‌وگوی تلفنی، باید در چارچوب شرع باشد. فردی که قصد جدی و آمادگی لازم برای ازدواج را دارد، مجاز است با اجازه و نظارت خانواده دو طرف، سؤالات خود را از طرف مقابل بپرسد، به شرطی که از حدود شرعی خارج نشود و فضای گفت‌وگو از حالت عادی و رسمی خارج نگردد.

بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- چرا دین اسلام در مورد معاشرت محرم و نامحرم محدودیت‌هایی را ایجاد کرده است؟
- ۲- در صورت از بین رفتن این محدودیت‌ها چه اتفاقاتی در جامعه رخ خواهد داد؟
- ۳- بهترین راه انتخاب و شناخت همسر مناسب چیست؟

پیشنهاد

- توجهات برخی جوانان درباره برقراری رابطه و گفت‌وگو با نامحرم را بررسی کرده و با توجه به ابعاد مثبت و منفی این ارتباطات، پاسخ‌های منطقی و قابل قبولی برای آن ارائه نمایید.
- با مطالعه آیات ۲۳ الی ۲۶ سوره قصص، و با یاری از تفاسیر قرآن، حدود ارتباطات اجتماعی زن و مرد را ترسیم نمایید.

احکام پوشش و نگاه

به مؤمنان بگو: چشم‌های خود را
(از نگاه به نامحرمان) فروگیرند،
و عفاف خود را حفظ کنند
این برای آنان پاکیزه‌تر است؛
خداوند از آنچه انجام می‌دهید
آگاه است!

و به زنان با ایمان بگو چشم‌های
خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند،
و دامان خویش را حفظ کنند.
و زینت خود را - جز آن مقدار که
نمایان است - آشکار ننمایند
و (اطراف) روسری‌های خود را بر
سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن
پوشانده شود)،
و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای
شوهرانشان،
یا پدرانشان،
یا پدر شوهرانشان،

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ
وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ
إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ
وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ
وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا
وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ

وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ
أَوْ آبَائِهِنَّ
أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ

یا پسرانشان،	أَوْ أَبْنَائِهِنَّ
یا پسران همسرانشان،	أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ
یا برادرانشان،	أَوْ إِخْوَانِهِنَّ
یا پسران برادرانشان،	أَوْ بَنَى إِخْوَانِهِنَّ
یا پسران خواهرانشان،	أَوْ بَنَى أَخَوَاتِهِنَّ
یا زنان هم کیششان، یا بردگانشان	أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ
[کنیزانشان]	

أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِیْتَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْطِفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ

یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند

و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند

تا زینت پنهانی شان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد).
و همگی به سوی خدا بازگردیدای مؤمنان،
تا رستگار شوید!

و لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ

لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ

و تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

● در درس پیش، برخی حدود ارتباط با نامحرم مطرح گردید. در این درس با موضوع مهم در این ارتباط، یعنی «پوشش» و «نگاه» آشنا خواهیم شد.

الف) پوشش

رعایت پوشش مناسب در محیط جامعه و خانواده از وظایف یک مسلمان است. لباس علاوه بر زیبایی و حفظ بدن از آسیب‌های محیطی و گرما و سرما، نمادی از فرهنگ و شخصیت فرد است و یک نوع شعار محسوب می‌شود. به همین دلیل، انتخاب نامناسب آن

می‌تواند موجب آسیب اجتماعی و نگاه نادرست دیگران گردد.

آراستگی و پرهیز از ژولیدگی، جزء دستورات دین است و اولیای الهی در کنار تهذیب نفس و زیبا نمودن باطن، به دستورات دین دربارهٔ پاکیزگی و آراستگی ظاهر اهمیت می‌دادند، تا حدی که آراستگی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) زبانزد عام و خاص بود. پوشیدن لباس سفید، استعمال بوی خوش، شانه‌زدن مو، در کنار دستورات متعدد طهارت و شست و شو، غسل و وضو، همه نشان از پسندیده‌بودن این صفت در اسلام دارد.^۱ این آراستگی نیز، حدودی دارد که اگر از آن تجاوز شود، نامطلوب و گاهی مضر خواهد بود.^۲

* احکام مشترک پوشش برای مردان و زنان

اسلام ضمن پذیرش تنوع و گوناگونی نوع پوشش در مناطق مختلف و زمان‌های گوناگون، بر حفظ وقار و شخصیت اشخاص در جامعه تأکید نموده و هماهنگی نوع لباس را با ارزش‌های اخلاقی لازم می‌داند. به همین منظور احکام ذیل وضع گردیده است:

- ۱- پوشیدن لباس شهرت که فرد را نزد مردم انگشت‌نما می‌کند حرام است.
- ۲- استفاده از لباس مختص غیرمسلمانان، گروه‌های گمراه، و افراد بدنام غیرجایز و حرام است.
- ۳- هر پوششی که متناسب با شأن فرد نباشد و موجب وهن شخصیت او در اجتماع شود ممنوع است.

- ۴- تشبیه مرد به زن و بالعکس حرام است؛ این شبیه شدن شامل: نوع لباس، نوع آرایش مو، ابرو و سایر موارد می‌شود.

تأمل

دربارهٔ حکمت این حکم تأمل کرده و عواقب مراعات نشدن آن را بیان کنید.

- ۵- هر نوع پوشش که موجب جلب توجه نامحرم و تحریک او می‌شود، ممنوع است.

* پوشش زنان (حجاب)

* فلسفهٔ حجاب

۱- برخی از این روایات چنین است: دو رکعت نماز با بوی خوش، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است (نواب الاعمال صدوق، ص ۳۶۲). خداوند از اینکه کسی خود را ژولیده نشان‌دهد بدش می‌آید (امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۷۵). آراستگی از صفات مؤمنان است (غررالحکم، ج ۱، ص ۳۰۷).

۲- برای اطلاع بیشتر از آداب پوشش به کتاب «مفاتیح الحیاة» آیت‌الله جوادی آملی مراجعه نمایید.

۱- **محافظت از نعمت زیبایی و ظرافت** : خداوند، زنان را از نعمت زیبایی و ظرافت بیشتری بهره‌مند ساخته است؛ این خصوصیت موجب توجه بیشتر مرد به همسر خویش و استحکام بنیان خانواده می‌شود. در مقابل، زن می‌بایست **محافظت** بیشتری از خود به عمل آورد تا این زیبایی، مورد سوءاستفاده دیگران قرار نگیرد. دو صفت «حیا» و «عفت» بهترین ابزار محافظت از این لغت است که در زنان، بیش از مردان قرار داده است. حیا و عفت درونی، پوشش مناسب بیرونی را توصیه می‌کند و حجاب اسلامی، در راستای تقویت حیا و عفت گام برمی‌دارد.

۲- **جلوگیری از فروپاشی خانواده** : حفظ حریم خانواده، وظیفه همه اعضای خانواده است. بی‌توجهی به حجاب موجب بازشدن نگاه‌های ناپاک به حریم پاک خانواده، گسترش روابط نادرست بیرون خانه و متزلزل شدن خانواده می‌گردد.

۳- **حیای فطری** : انسان‌ها به‌طور فطری از نمایان شدن اندام خود و در معرض قرارگرفتن آن، حیا می‌کنند؛ لذا از دیرباز گرایش به پوشش و عفاف، کم و بیش، در میان زنان و مردان تمام اقوام و ملت‌ها وجود داشته، و امری فطری به شمار می‌رفته است. البته هر قوم آداب مربوط به خود را در پوشش داشته است. بنابراین، داشتن حجاب و پوشش مناسب محتاج استدلال نیست؛ بلکه بدپوششی و برهنگی عصر جدید جای سؤال و تعجب دارد.

برای مطالعه

* علل گرایش به خودنمایی

نیاز به توجه، تحسین و پذیرش از سوی اجتماع، از نیازهای انسان است. در دوره نوجوانی، برخی نیازها پررنگ‌تر می‌شود و بیشتر خود را نشان می‌دهند؛ مانند محبوبیت و جلب توجه.

روش صحیح به‌دست آوردن مقبولیت اجتماعی، تلاش علمی، خلاقیت، پشتکار، سودرسانی، مفید واقع شدن، و جلب اعتماد دیگران است؛ ولی برخی با استفاده از روش‌های ناصحیح مانند: پوشیدن لباس‌های نامناسب، آرایش غلیظ مدل‌های عجیب مو، سیگار کشیدن، و انجام رفتارهای پرخطر، به دنبال خودنمایی و جلب توجه دیگران‌اند.

قرآن کریم مظاهر عفاف را برای مردان و زنان معرفی کرده است. آیا می‌توانید آنها را نام ببرید؟

۴- کاهش گناه و منکرات : پوشش مناسب زن علاوه بر آنکه موجب حفظ خود و امنیت خانواده می‌شود، باعث عفت بیشتر مردان و کاهش میزان گناه در جامعه می‌گردد. بنابراین، زنان نه تنها مسئول حفظ امنیت و معنویت خودند؛ بلکه کلیددار سلامت جامعه از فساد و فحشا و گسترش منکرات اند.

رعایت حریم‌ها و دستورات دین موجب افزایش سلامت اخلاقی جامعه، و سوق به معنویت و پاکی می‌گردد. چنین جامعه‌ای بهتر می‌تواند مسیر پیشرفت را بییماید.

۵- شناخته شدن زنان پاک : قرآن کریم یکی از فواید حجاب را شناخته شدن زنان عقیف و پاکدامن از زنان ناپاک دانسته و کاهش مزاحمت‌های اجتماعی را نتیجه آن شمرده است.

۶- افزایش آرامش روانی : با کاهش نگاه‌های بیرونی دغدغه‌های مختلف درونی در محیط کار و اجتماع به شدت کاهش یافته و آرامش روحی جایگزین می‌گردد. رقابت‌های نامناسب در محیط کاهش می‌یابد و مردان و زنان با آرامش بیشتری به کار مشغول‌اند.

۷- حضور امن در فعالیت‌های اجتماعی : یک زن متدین، با رعایت حجاب و سایر احکام معاشرت، می‌تواند در کمال امنیت در جامعه فعالیت نموده و کمترین مزاحمت را شاهد باشد. اگر حجاب نبود، زنان پاکدامن مجبور به کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی و عرصه‌های عمومی بودند. دین اسلام، راه میانه بین خانه‌نشینی زن و حضور بی‌محابای وی در جامعه را به عنوان بهترین روش حضور زن در جامعه ارائه نموده است.

۸- توجه به جنبه انسانی به‌جای جنبه جنسیتی : یکی از مهم‌ترین ثمرات حجاب، تغییر نگاه جنسیتی به نگاه انسانی است. در طول تاریخ، زنان همواره به‌دلیل جذابیت و زیبایی مورد توجه بوده‌اند. رعایت حجاب و عفاف موجب می‌شود تا توجه به جنبه انسانی وی برجسته گردد و شخصیت انسانی، جایگزین جذابیت جنسیتی شود.

با مطالعه مطالب بالا و مراجعه به تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب، مصونیت بخشی حجاب و نقش آن در امنیت اجتماعی را تبیین نمایید.

* حجاب در سایر ادیان و دیگر ملت‌ها

در طول تاریخ، گرایش به پوشش و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان بوده، و شکل آن، رابطه مستقیمی با سطح اعتقاد و پایبندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی آن جامعه داشته است. ادیان الهی از دیرباز بر رعایت آداب معاشرت، از جمله پوشش، تأکید ورزیده و دینداران به آن پایبند بوده‌اند. زنان یهودی و مسیحی هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشانند و راهبه‌های مسیحی سعی در حفظ کامل حجاب دارند؛ دارا بودن حجاب کامل، نشانه عفت و پاکدامنی بیشتر و پایبندی به احکام دین و تقرب به خداوند تلقی می‌شده است.

زنان ایرانی قبل از پیدایش اسلام، عموماً پیرو آیین زرتشت بودند و با پوشش کامل در مکان‌های عمومی رفت و آمد می‌کردند. مردان ایرانی نیز همان‌گونه که در نقش‌های باستانی تخت‌جمشید نمایان است دارای لباس‌های بلند، و کلاهی جهت پوشش موی سر بوده‌اند. تالار زنان نیز از مردان جدا بوده است.

* **حجاب در اسلام:** دین اسلام نیز مانند ادیان قبل از خود بر رعایت پوشش و عفاف تأکید کرده و حدود آن را کامل‌تر و دقیق‌تر تبیین نموده است. در آیه ۳۱ سوره نور می‌خوانیم:

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ ۚ وَ زِينَتُهُنَّ

إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا

مگر آن (زینتی) که (به طور طبیعی) ظاهر و آشکار است؛ (مانند چهره)؛

وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ

و باید روسری خود را بر روی سینه و گریبان خویش بیندازند.

* حدود حجاب برای زنان:

زنان موظف‌اند پوشش خود را به گونه‌ای تنظیم نمایند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشانند، و به‌جز صورت و دو دست (از مچ تا سر انگشتان)، می‌بایست تمام بدن خود را از

نامحرم پوشانند. البته صورت و دست‌ها نیز با دو شرط می‌تواند بدون پوشش باشد :

۱- نداشتن زینت و آرایش،

۲- نداشتن مفسده.

حجاب، فقط پوشاندن ظاهر اندام‌ها نیست؛ بلکه پوشاندن حجم اندام‌ها و پرهیز از امور تحریک‌کننده را نیز شامل می‌شود. بنابراین، پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان و رنگ‌های تحریک‌کننده جایز نیست. بهترین نوع پوشش که حجم بدن را نیز می‌پوشاند «چادر» است که از دیرباز انتخاب زنان ایرانی و مسلمان بوده است.



ب) نگاه

از دیگر احکام معاشرت محرم و نامحرم، رعایت حدود نگاه است. در عرصه اجتماع، نگاه حدودی دارد که رعایت آن موجب حفظ حریم شخصی دیگران، و پاک ماندن دل می‌گردد.

آیه ۳۱ سوره نور

با تأمل در آیه ۳۱ نور نکات زیر به دست می‌آید :

۱- مردان وظیفه دارند از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند.

۲- خودداری از نگاه به نامحرم، موجب سالم ماندن قلب از آلودگی و دور شدن انسان از لغزش

می‌شود.

۳- زنان نیز وظیفه دارند از نگاه غیرضروری به نامحرم بپرهیزند و دامان خود را از گناه حفظ

نمایند.



نکات ذکر شده را در آیه ابتدای درس بیابید و نشان دهید.

* حدود نگاه :

۱- به جز زن و شوهر، نگاه به افراد دیگر به قصد لذت‌جویی حرام است؛ خواه محرم باشد یا

نامحرم، مرد باشد یا زن، کودک باشد یا بالغ، پیر باشد یا جوان، نگاه به صورت باشد یا عضوی دیگر.

۲- نگاه کردن به صورت زن نامحرم، در صورتی که زن آرایش نداشته باشد و مرد قصد لذت

نداشته باشد، جایز است. هر چند بهتر است در موارد غیر ضروری از نگاه به صورت نامحرم پرهیز شود (به خصوص در مورد جوانان).

۳- نگاه به حریم خصوصی دیگران، (مانند نگاه به داخل منزل، اسناد، موبایل و...) تجسس محسوب شده و حرام است.

۴- نگاه به مو و بدن محارم، بدون قصد لذت جایز است، اما شایسته این است که اعضای بدن در حد معمول پوشانده شود، به ویژه در مقابل جوان و نوجوان.

۵- نگاه به تصویر نامحرم، اگر نگاه کننده، او را بشناسد، نیز مانند نگاه مستقیم به او جایز نیست.

در خصوص نگاه به زنان مسلمان و غیر مسلمان در فیلم‌ها و سریال‌های خارجی به فتوای مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

چند مسئله

۱- همان‌طور که نظر کردن مردان به بدن زنان مجاز نیست، نگاه کردن زنان به بدن مرد نیز حرام است.

۲- در صورتی که مرد با رعایت نکردن پوشش مناسب موجب به گناه افتادن دیگران شود واجب است خود را بپوشاند.

۳- در صورتی که معالجه به وسیله پزشک مُمائیل (= هم‌نوع) میسر باشد، معاینه توسط پزشک غیرمائل جایز نیست، و پزشک محرم محسوب نمی‌شود. در صورت عدم دسترسی به پزشک هم‌جنس، و در صورت اضطرار، به شرطی نگاه و لمس اعضای بدن نامحرم، جایز است که برای معالجه نیاز به نگاه یا لمس، ضروری بوده و از طریق غیرمستقیم (مانند به کارگیری ابزار) ممکن نباشد. در صورتی که معالجه فقط از طریق نگاه بدون نیاز به لمس، و یا با لمس بدون نگاه میسر است باید به همان اکتفا شود. در هر صورت، پزشک باید فقط به مقدار ضرورت اکتفا کند و تعدی از آن جایز نیست؛ (مثلاً اگر معاینه با دستکش انجام پذیر است، به همان اکتفا کند).



بیندیشید و پاسخ دهید:

- ۱- مزیت‌های پوشش مناسب نسبت به پوشش نامناسب چیست؟
- ۲- عوامل گرایش به بدحجابی چیست؟
- ۳- مدگرایی چه عیب‌هایی می‌تواند داشته باشد؟
- ۴- ارتباط رعایت حجاب را با افزایش امنیت و رضایت از زندگی شرح دهید.
- ۵- ارتباط بدحجابی را با افزایش طلاق و جرم و جنایت توضیح دهید.

پیشنهاداتی برای تحقیق درسی

- ۱- دربارهٔ عواقب نگاه آلوده و تأثیر آن در ارتکاب گناه مقاله‌ای تهیه کنید و در کلاس مطرح نمایید.
- ۲- بی‌توجهی برخی جوامع مسیحی به امر پوشش بدن و موی سر از چه زمانی آغاز گردیده و چه عللی داشت؟
- ۳- دربارهٔ کشف حجاب در دوران پهلوی و برنامهٔ استعمار در ترویج بی‌حجابی مقاله‌ای تهیه و در مدرسه ارائه نمایید.

تفریح، قمار، موسیقی

امام کاظم (ع) :

« تلاش کنید که اوقاتان شامل چهار بخش باشد :

زمانی برای مناجات با خداوند،

و زمانی برای کسب روزی و امر معاش،

زمانی برای دیدار و گفت‌وگو با برادران دینی و افراد مورد اعتماد که عیب‌هایتان

را گوشزد و باطن‌تان را خالص می‌کنند،

و زمانی نیز برای بهره‌مندی از لذت‌های حلال؛

و به واسطه این زمان است که توانایی استفاده از سه زمان دیگر را به دست می‌آورید.»^۱

● آخرین مبحث از احکام اجتماعی که مورد بررسی قرار خواهد گرفت، درباره تفریحات سالم و ناسالم است، که از آن موارد، به احکام ورزش، بازی، قمار، و موسیقی اشاره خواهیم کرد.

استراحت و تفریح

دین اسلام علاوه بر توجه به معنویت، مشوق سلامت جسمانی و شادی و رضایت روحی است. یک دین کامل زمانی تحقق می‌یابد که نه تنها برای سعادت اخروی، بلکه برای زندگی دنیوی انسان

۱- «اجتهدوا فی أن یکونَ زمانکم أربعَ ساعاتٍ؛ ساعةً لمُناجاةِ اللَّهِ و ساعةً لِأمرِ المعاشِ و ساعةً لِمعاشرةِ الإخوانِ و الثقاتِ الذین یعزفونکم عُیوبکم و یخلصونَ لکم فی الباطنِ و ساعةً تَخْلونَ فیها لِلذانیکم فی غیرِ مُحَرَّمٍ وَ بِهِذِهِ السَّاعَةُ تَقْدِرُونَ عَلَی ثلاثَةِ سَاعَاتٍ». کتاب

تحف العقول، ص ۴۰۹.

نیز برنامه و دستور داشته باشد. در نظام معرفتی اسلام، دنیا متاعی برای ساختن آخرت است و برای بهره‌مندی صحیح از آن باید برنامه‌ریزی نمود.

همان‌گونه که جسم انسان از کار و تلاش خسته می‌شود و به استراحت نیاز دارد، روح آدمی نیز نیازمند تجدید قوا و محتاج نشاط است. «اوقات فراغت» زمان‌هایی است که انسان جهت استراحت تن و بازپروی روح، دست از کار روزانه می‌شوید و با پرداختن به امور نشاط‌آور و مفید، نیرویی دوباره جهت ادامه تلاش و کار به دست می‌آورد.

ارتباط روح با جسم و تأثیر آن دو بر یکدیگر، لزوم توجه به هر دو بُعد را نمایان می‌سازد؛ و نیک گفته‌اند که: «عقل سالم در بدن سالم است.» توجه اسلام به سلامتی و بهداشت، و دستورات گوناگون آن؛ شامل: طهارت و نجاست، مستحبات و مکروهات، و حرمت استفاده از برخی مواد مضر برای سلامتی بدن، همگی نشان از توجه به سلامتی جسم در کنار توجه به خودسازی و سلامتی روح دارد.

استفاده صحیح از اوقات عمر، از دستورات مؤکد اسلام برای زندگی سالم و پربرکت است. در این میان، ساعاتی را باید به کار و کسب یا تحصیل علم و دانش اختصاص داد، ساعاتی را برای عبادت و ارتباط با پروردگار، ساعاتی برای خواب و استراحت، و ساعاتی نیز جهت تفریح و شادی مشروع و حلال.

ساعات تفریح و استراحت، در حقیقت زمینه‌ساز آمادگی برای دیگر ساعات است. انسانی که در زندگی هدفمند است و خواهان بهره‌وری از سرمایه بزرگ عمر است، با برنامه‌ریزی و تفکر صحیح، اوقات فراغت خود را به نحو مناسب پر کرده و خستگی را از جسم و روح می‌زداید.

اسلام و تفریح

اسلام با تفریح و شادی که موجب نشاط و شادابی در کار و زندگی شود، نه تنها مخالف نیست؛ بلکه در روایات، به اختصاص ساعاتی از روز به آن توصیه شده است.

البته تفریح و شادی که اسلام به آن سفارش نموده، کارهایی مانند ورزش و سفر است که موجب نشاط جسم و روح می‌شود و اگر کاری باعث ضربه زدن به جسم یا روح شود، جایز نیست؛ لذا در اسلام، بازی با آلات قمار و گوش دادن به موسیقی‌های مبتذل و استعمال مواد مخدر که برخی جوانان امروز به عنوان راه تفریح انتخاب کرده‌اند، حرام است؛ زیرا موجب ضرر به جسم یا روح جوان می‌شود.

یکی از بازی‌های رایانه‌ای یا تفریحات متداول امروزه را انتخاب نموده و فواید و مضرات آن را بنویسید.



الف) ورزش: ورزش و تحرک جسمانی، علاوه بر تقویت و سالم‌سازی قوای جسمی، موجب نشاط و سلامت روحی می‌شود. در دین اسلام نیز ضمن توصیه به کار و فعالیت، به امر ورزش توجه خاصی شده است که در این میان، ورزش شنا از جایگاهی خاص برخوردار بوده و «بهترین سرگرمی مؤمن» معرفی شده است.

البته اعتدال و میانه‌روی در همه کارها، از جمله ورزش مورد سفارش اسلام است؛ زیرا توجه بیش از اندازه به ورزش یا پیگیری بازی‌های ورزشی، مانع توجه لازم به درس یا دیگر وظایف فردی و خانوادگی می‌شود.

درباره فواید ورزش شنا و تأثیرات مثبت آن بر روح و جسم، تحقیق کرده و آن را در کلاس ارائه دهید.



ب) قمار و شرط‌بندی: قمار یکی از تفریحات ناسالم و حرام است. قمار عبارت است از بازی با وسایل مخصوص (آلات قمار) به قصد بُرد و تصاحب پول دیگری البته بازی با این وسایل به قصد بازی و سرگرمی نیز حرام است، حتی اگر پای برد و باخت در میان نباشد و پولی ردّ و بدل نشود.^۱ جدا از بازی قمار، شرط‌بندی (به معنای عرفی آن) نیز حرام است و پول حاصل از آن نامشروع بوده و تصرف در آن جایز نیست (حتی اگر با رضایت دو طرف باشد).

نشستن در مجلسی که در آن قمار انجام می‌شود نیز ممنوع و حرام است؛ این کار علاوه بر تأیید

۱- بازی شرط‌بندی که گفته می‌شود امروزه از ابزار مخصوص قمار خارج شده و جنبه بازی فکری پیدا نموده است، بنا به فتوای برخی از مراجع (مانند حضرت امام بلاشکال و بنا بر فتوای برخی علما، کماکان حکم قمار را داشته و حرام است. اما بازی با دیگر ابزار قمار که هنوز مصداق قمار دارند (مانند پاسور)، به فتوای تمام فقها حرام است، حتی اگر فقط به قصد سرگرمی و بازی انجام شود.

و تشویق آنان به ادامه و تکرار گناه، تأثیرات روحی – معنوی نامطلوبی بر اشخاص حاضر در مجلس می‌گذارد. وظیفهٔ شخص در این‌گونه موارد، ابتدا موعظه و نهی از منکر، و در صورت تأثیر نداشتن، ترک مجلس گناه است.

کلام آسمانی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ

رَجِسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ
فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ
أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ
فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ
وَ يُضِدَّكُمْ عَنِ الذِّكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ
فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،
شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه
[نوعی بخت‌آزمایی]،

پلیدند و از عمل شیطان‌اند،
از آنها دوری گزینید تا رستگار شوید.
همانا شیطان می‌خواهد
در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند،
به وسیلهٔ شراب و قمار،
و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد.
آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی
اکید) خودداری خواهید کرد؟

سورهٔ مائده، آیات ۹۰ و ۹۱

فَعَالِيَت

با توجه به مضمون آیه، حکمت تحریم قمار را بیان نموده و عواقب آن را توضیح دهید.



ج) موسیقی: لذت بردن از آواز خوش، جزو خصوصیات ذاتی انسان است.
قرائت قرآن با صدای خوش و گفتن اذان با صوت دلنشین مورد سفارش اسلام است.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

لِكُلِّ شَيْءٍ حِلْيَةٌ

وَحِلْيَةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ. و زیبایی بخش قرآن، صوت زیباست.

اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۵

موسیقی عبارت از نوای خوشی است که از حنجرهٔ انسان یا ابزار خاص تولید شده و گونه‌های مختلفی دارد. موسیقی به دو دسته حلال و حرام تقسیم می‌گردد.

معیارهای تشخیص موسیقی حرام عبارت‌اند از :

- ۱- هرگونه آوازی که ریتم یا محتوای آن مخصوص مجالس گناه باشد.
- ۲- هرگونه ساز موسیقی که مخصوص مجالس لهو و لعب باشد.
- ۳- هرگونه موسیقی که محتوای باطل، کفرآمیز یا تحریک‌کننده باشد.
- ۴- شنیدن آواز زن نامحرم که موجب مفسده گردد.

ببیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- «اوقات فراغت» خود را چگونه صرف می‌کنید؟ چه مقدار از آن مفید است؟
- ۲- روش‌های «شاد زیستن» را برشمارید. مهم‌ترین عامل احساس شادمانی چیست؟
- ۳- برخی از تفریحات کم‌هزینه و در دسترس را نام ببرید.
- ۴- برخی ضررهای گوش کردن به موسیقی را نام ببرید.

زکات

حُذِّمْنَ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً
 تَطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا
 وَصَلِّ عَلَيْهِمْ
 إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ
 وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۱

از اموال آنها صدقه‌ای (به‌عنوان زکات) بگیر،
 تا بدین وسیله، آنها را پاک‌سازی و پرورش دهی
 و (به هنگام گرفتن زکات)، برای آنها دعا کن
 که دعای تو، مایه آرامش آنهاست
 و خداوند شنوا و داناست.

● درس‌های قبلی به احکام اجتماعی اختصاص داشت. از این درس به بعد، با احکام اقتصادی اسلام آشنا خواهیم شد. اولین مبحث مربوط به زکات است.

معنای زکات

کلمه «زکات» در زبان عربی دو معنا دارد: ۱- زیاد شدن؛ ۲- پاک شدن. اصطلاح «زکات» در فقه اسلامی به‌معنای جدا ساختن بخشی از اموال و پرداخت آن به نیازمندان و صرف در امور خیر است. پرداخت زکات مانند جدا کردن شاخه‌های زائد از درخت، موجب پربار شدن آن می‌گردد. همچنین سبب پاک شدن مال به‌سبب ادای حق محرومان می‌شود.

علاوه بر زکات اصطلاحی که شامل برخی از اموال می‌شود، هر نعمتی زکاتی دارد که باید آن را پرداخت؛ سلامت جسمانی، قدرت و توانایی، جمال و زیبایی، علم و دانایی و ...^۲

۱- سوره توبه، آیه ۱۰۳

۲- زکاة القدرة الإنصاف، و زکاة الجمال العفاف، و زکاة اليسار بئر الجبران و صلة الأرحام، و زکاة الصّحة السعی فی طاعة الله، و زکاة الشّجاعة الجهاد فی سبیل الله. (غررالحکم)

اهمیت و فایده زکات

براساس روایات، اهمیت زکات آن قدر زیاد است که بدون پرداخت آن، نماز انسان مقبول حق واقع نمی‌شود.^۱ و فقری گرسنه نماند مگر به خاطر کوتاهی مردم در ادای زکات؛ و مالی در خشکی یا دریا از بین نرفت مگر به سبب پرداخت نکردن زکات.^۲

پرداخت زکات مانند سایر انفاق‌ها، غیر از آثار مادی، یعنی سیر کردن گرسنگان و رفع حاجت نیازمندان آثار معنوی دیگری نیز به همراه دارد؛ برکت یافتن مال، حفظ دارایی از بلا، پاکیزگی روح و توفیقات معنوی.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید :

هنگامی که مردم از پرداخت زکات
خودداری کنند،

إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ

زمین نیز برکت خویش را دریغ می‌کند

مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا

مِنَ الزَّرْعِ وَالشِّمَارِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا.^۳ از محصولات کشاورزی، میوه

درختان و معادن گوناگون

زکات، عامل افزایش اموال

مردم همواره دوستدار افزایش دارایی خود می‌باشند. برخی با کار و تلاش سالم، و برخی با بخل، برخی با دریافت سود بیش از حد، و برخی با رباخواری. به تصور بسیاری از مردم، پرداخت زکات موجب خسارت مالی و کاهش سرمایه است^۴، در حالی که خداوند روزی‌آفرین و روزی‌ده، راه افزایش دارایی را پرداخت قسمتی از مال خود به نیازمندان اعلام نموده و رباخواری را موجب زیان و خسارت معرفی می‌نماید؛ زیرا که خداوند، خیر و برکت را از ربا برداشته و به زکات منتقل نموده است.

خداوند، ربا را نابود می‌کند

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا

و صدقات را افزایش می‌دهد.

و يُرَبِّي الصَّدَقَاتِ^۵

۱- امام باقر علیه السلام : مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ لَمْ يُقِمِ الصَّلَاةَ. کافی، ج ۳، ص ۵۰۶.

۲- امام صادق (علیه السلام)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷.

۳- کتاب کافی، ج ۲، ص ۳۷۴.

۴- «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا»؛ یعنی «و گروهی از اعراب آنچه را انفاق می‌کند زیان تلقی می‌کنند»، سوره توبه، آیه ۹۸.

۵- سوره بقره، آیه ۲۷۶.

چگونه ممکن است زکات و انفاق موجب افزونی مال شود، ولی رباخواری موجب افزایش نشود؟ احتمالات گوناگون را در معنای آیه بررسی کنید.



موارد تعلق زکات مالی

زکات بر نه چیز واجب است :

- الف) غَلَّات و محصولات کشاورزی : ۱- گندم ۲- جو ۳- خرما ۴- انگور (کشمش، مویز)
ب) دام‌ها : ۵- شتر ۶- گاو ۷- گوسفند
ج) سکه‌ها (نَقْدِین) : ۸- طلا ۹- نقره.

حدّ نصاب در زکات

زکات اموال مذکور در صورتی واجب است که به حدّ معین یا تعداد خاصی برسد، که به آن «حدّ نصاب» می‌گویند. و اگر کمتر از آن باشد، زکاتش واجب نیست. هر یک از این اموال نه‌گانه حدّ نصاب‌های خاص خود را دارد.

برای مطالعه

به‌طور نمونه، اولین حدّ نصاب گوسفند ۴۰ رأس است؛ یعنی اگر دامدار کمتر از چهل گوسفند داشته باشد، در آن سال زکات بر او واجب نیست. در صورت داشتن ۴۰ تا ۱۲۰ گوسفند، یک گوسفند را باید به عنوان زکات پردازد. حدّ نصاب دوم گوسفند، ۱۲۱ تا ۲۰۰ است و در ازای آن، باید دو گوسفند بدهد. حدّ نصاب سوم، ۲۰۱ است، و به همین ترتیب.

حد نصابها :

نوع	نصاب اول	میزان زکات	نصاب دوم	میزان زکات	نصاب سوم	میزان زکات	نصاب چهارم	میزان زکات
گوسفند	۴۰ رأس	یک گوسفند	۱۲۱ رأس	دو گوسفند	۲۰۱ رأس	سه گوسفند	۳۰۱ رأس	۴ گوسفند
شتر	۵ نفر	یک گوسفند	۱۰ نفر	دو گوسفند	۲۵ نفر	پنج گوسفند	۲۶ نفر	یک شتر دوساله
گاو	۳۰ رأس	یک گوساله دوساله	۴۰ رأس	یک گوساله سه‌ساله	۶۰ رأس	دو گوساله دوساله
گندم، جو، خرما، کشمش	۸۵۰ کیلوگرم	$\frac{1}{10}$ در صورت آبیاری به صورت دیمی یا قنات ، $\frac{1}{20}$ در صورت آبیاری با دست یا چاه.						
سکه طلا	۱۵ مثقال	یک چهارم						
سکه نقره	۱۰۵ مثقال	یک چهارم						

مصرف زکات

زکات در هشت مورد مصرف می‌شود.

مصرف صدقات برای نیازمندان، مستمندان، متصدیان (وصول و پخش) آن، دلجویی شدگان، آزاد کردن بردگان، بدهکاران، انفاق در راه خدا و به راه ماندگان واجب شده است، خداوند دانای حکیم است.	<p>إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^۱</p>
---	--

۱- سوره توبه، آیه ۶۰.

۱- فقرا: فقیر فردی است که در اثر نداشتن کار دائم، یا پیشامدهای ناگوار زندگی، یا کثرت افراد تحت تکفل، دچار کمبود درآمد است، و امکان پرداختن به کار بهتر را نیز ندارد. در نتیجه نمی‌تواند خرج سال خود و عائله‌اش را در حد حفظ آبرو و متناسب با شأن اجتماعی خویش به دست آورد.



با توجه به آیه ۲۷۳ سوره بقره، پنج مشخصه نیازمندان واقعی را استخراج نمایید.

- ۲- مساکین: مسکین به فردی اطلاق می‌شود که به عللی مانند نقص عضو، بیماری، یا پیری، خانه‌نشین شده و قدرت کسب مخارج سالانه خود و خانواده‌اش را ندارد.
- ۳- عاملان: کسانی هستند که مأمور گرفتن، نگهداری و محاسبه زکات‌اند. سهمی از زکات به عنوان حق الزحمه به آنان پرداخت می‌شود.
- ۴- ایجاد اُلفت: قسمتی از زکات به کفار و مسلمانانی که عقایدشان ضعیف است اعطا می‌شود تا علاقه‌مند به اسلام شده و با دشمنان متحد نشوند.
- ۵- آزادی بندگان: در صورت وجود انسان‌های دربند یا برده، سهمی از زکات جهت رها نمودن آنان از بند اسارت (و زندان) پرداخت می‌گردد.
- ۶- بدهکاران: از دیگر مصارف زکات، پرداخت بدهی و قرض افرادی است که بر اثر ورشکستگی (نه از روی سستی و کوتاهی)، قادر به پرداخت بدهی خود نیستند.
- ۷- در راه خدا: هرچه مربوط به مصالح عمومی جامعه و مسلمانان بوده و نیز هر چه موجب اعتلای اسلام و از بین رفتن فتنه و فساد از حوزه اسلام یا مسلمانان می‌شود، از این قسم محسوب می‌گردد.
- ۸- در راه ماندگان: به مسافرانی که به‌علتی در غربت دچار بی‌پولی شده‌اند، از زکات به مقداری که آنها را به مقصد برساند پرداخت می‌گردد.



* تذکر: صدقه بر دو نوع است: واجب (زکات) و مستحب. غیر سید نمی‌تواند به سید زکات (صدقه واجب) دهد. ولی پرداخت صدقه مستحبی به سادات اشکال ندارد.

چند مورد از تفاوت‌های زکات با مالیات را بیان نمایید.



زکات بدن (فطره)

این نوع از زکات، بنا به روایات، متمم روزه ماه مبارک رمضان است. مسلمانان مقارن با فرارسیدن عید فطر، و به پاس نعمت سلامتی و توفیق روزه‌داری، مقداری گندم یا خرما به نیازمندان می‌دهند تا آنان نیز در این روز بزرگ عیدی بگیرند.

مقدار زکات فطره: به ازای هر نفر، سه کیلوگرم گندم یا برنج یا خرما یا هر غذای متداول منطقه یا بهای آن به نیازمندان مؤمن پرداخت می‌گردد. فطره غیر سادات نیز به سادات فقیر تعلق نمی‌گیرد. **زمان پرداخت:** از غروب شب عید تا ظهر روز عید فطر. کسانی که امکان حضور در نماز عید را دارند، پیش از نماز عید باید آن را بپردازند یا از مال خود کنار بگذارند.

شرایط و جوب: افرادی که فقیر نیستند، واجب است فطره خود و افراد تحت تکفل (نان‌خور) خویش، حتی نوزاد را پرداخت نمایند. کسی که فطره‌اش بر دیگری واجب است، از عهده وی ساقط می‌شود، حتی اگر غنی باشد. و اگر بداند که سرپرست خانواده یا میزبان، زکات وی را نپرداخته یا فراموش کرده، پرداخت زکات بر وی واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب این است که به جای آنها پرداخت کند.

بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- ارتباط میان خشکسالی و سیل را با پرداخت نکردن زکات چگونه توجیه می‌کنید؟
- ۲- اگر مردم مقید به پرداخت زکات باشند وضعیت جامعه چه تغییراتی خواهد نمود؟

پیشنهاد جهت تحقیق

آثار فردی - اجتماعی پرداخت زکات، و آثار منفی بی‌توجهی به آن را بررسی و به عنوان یک کار تحقیقی در کلاس ارائه دهید.

خمس

و بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید،	وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ
یک پنجم آن برای خدا،	فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ
و برای پیامبر،	وَلِلرَّسُولِ
و برای خویشان (او)	وَلِذِي الْقُرْبَىٰ
و یتیمان	وَالْيَتَامَىٰ
و مسکینان	وَالْمَسَاكِينِ
و واماندگان در راه (آنها) است،	وَابْنِ السَّبِيلِ
اگر به خدا ایمان آورده‌اید ...	إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ ...

درس گذشته درباره زکات بود و این درس درباره برخی احکام خمس است.

خمس چیست؟

«خمس» در لغت به معنای یک پنجم، و در اصطلاح شرعی به معنای جدا کردن یک پنجم از مازاد درآمد سالیانه و پرداخت آن به امام معصوم است. امام نیز آن را در موارد معین شرعی به مصرف می‌رساند. در زمان غیبت که به امام معصوم (علیه السلام) دسترسی نیست، مسئولیت وجوه شرعی بر دوش جانشینان عام وی، یعنی ولی فقیه یا مراجع تقلید است.

خمس و زکات، در حقیقت پرداخت قسمتی از همان مالی است که خداوند متعال به انسان عنایت نموده و جهت رفع نیازهای جامعه به کار گرفته می‌شود. بنابراین، انجام این وظیفه نه تنها منتهی بر خدا و رسولش نیست؛ بلکه لطفی از سوی پروردگار است که موجب رفع فقر، کاهش فاصله طبقاتی، رشد جامعه، پاک‌ی مال و روح انسان‌ها می‌گردد.

تصرف در مالی که به آن خمس تعلق گرفته جایز نیست و قبل از هرگونه تصرف باید خمس آن را جدا نمود. همین‌طور در مورد ارث، در صورتی که مشمول پرداخت خمس باشد، قبل از تقسیم بین ورثه باید خمس آن محاسبه و پرداخت گردد.

مصرف خمس

مطابق دستور الهی، نیمی از خمس، سهم امام معصوم و نیم دیگر سهم سادات فقیر است. سهم امام صرف نیازهای جامعه و مصالح اسلام و مسلمانان، مانند ساخت مسجد و مراکز دینی، تربیت مبلغان دینی و امور فرهنگی می‌شود. سهم دیگر، متعلق به سادات نیازمند است؛ چون خداوند برای تکریم و عزت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ذریه و فرزندان، دریافت صدقه و زکات را بر آنان حرام کرده است که البته فقط به اندازه احتیاج سالانه به آنان پرداخت می‌شود. در هر دو مورد، خمس باید توسط حاکم شرع (ولّی فقیه یا مرجع تقلید) یا تحت نظر وی و با اجازه ایشان مصرف شود.



فلسفه نظارت حاکم شرع و مدیریت واحد مصرف خمس چیست؟ در صورت غیرمتمرکز شدن مصرف وجوهات، چه معایبی ممکن است در جامعه رخ دهد؟

موارد تعلق خمس

به هفت مورد، خمس تعلق می‌گیرد. در اینجا ما فقط به دو مورد، که کاربرد بیشتری دارد خواهیم پرداخت.

برای اطلاع از دیگر موارد و احکام آنها، به رساله‌های توضیح المسائل و دیگر کتب فقهی مراجعه نمایید.

۱- درآمد بیش از هزینه‌های سالیانه (مُؤنَه): افراد جامعه با شغل‌های مختلف درآمدهای

متفاوتی دارند؛ گاهی درآمد فرد، کفاف نیازهای اولیه و ضروری وی در زندگی را نمی‌دهد. در این صورت دیگران وظیفه دارند به وی کمک کنند تا از فقر نجات یابد. گاهی وضعیت مالی فرد به گونه‌ای است که محتاج دیگران نیست، ولی درآمدش بیشتر از مخارج معمول زندگی او نیست یا حتی کمتر است. اما گاهی درآمد شخص، بیشتر از نیاز او است. در این صورت یا آن مازاد را برای آینده پس‌انداز می‌کند، یا آن را سرمایه‌گذاری می‌کند، یا به افراد دیگر می‌دهد. به این مقدار مازاد، خمس تعلق می‌گیرد و باید یک‌پنجم آن مازاد را پرداخت کند.

در حقیقت هر مالی که انسان به دست می‌آورد، یک پنجم آن متعلق خمس است، اما جهت تخفیف، مخارج یک سال از شمول خمس معاف شده و فقط خمس مازاد بر مخارج سالانه واجب است.

«سال خمسی» عبارت است از سالگرد اولین روز شروع کار یا کسب درآمد. با رسیدن سال خمسی، (سر سال) انسان موظف است که یک پنجم از آنچه را خرج نشده است، به عنوان خمس جدا ساخته و پرداخت نماید. چهار پنجم باقیمانده را می‌تواند تا هر زمان که مایل بود نزد خود نگهداری و یا آن را سرمایه‌گذاری نماید؛ به مال خمس داده شده در سال‌های دیگر خمس تعلق نمی‌گیرد^۱.

فرار از خمس: برخی افراد برای فرار از پرداخت خمس، هنگام نزدیک شدن «سال خمسی»، اقدام به خرید وسایلی می‌کنند که فعلاً به آنها نیاز ندارند. چنین کاری بیهوده است و خمس آنها را نیز باید پرداخت کنند. همچنین اگر شخص با خرید وسایل تجملاتی یا غیر متناسب با جایگاه اجتماعی خود، اسراف و تبذیر کند، باید خمس آن وسایل و مقدار اسراف شده را بپردازد.



به نظر شما، انگیزه فرار برخی افراد از پرداخت خمس چیست؟ توجیحات مختلف این افراد را بررسی نمایید.



۲- مال حلال مخلوط با مال حرام: دومین مورد وجوب خمس عبارت است از «مال حلال مخلوط با حرام» به گونه‌ای که تفکیک آن دو از یکدیگر ممکن نباشد؛ یعنی نه مقدار مال حرام مشخص باشد و نه صاحب آن (که از طریق او مقدار آن مشخص شود یا مصالحه انجام شود). در این صورت باید خمس تمام اموال را پرداخت نمود تا استفاده از مابقی جایز شود.

۱- به اصطلاح فقهی: الْمُخْمَسُ لَا يُخْمَسُ.

نمونه رایج و مبتلا به آن در مورد افرادی است که از ابتدای سن تکلیف، حساب خمسی نداشته‌اند و نمی‌دانند چه میزان خمس بر اموال آنها تعلق گرفته است.



حکم مسئله را در صورت مشخص بودن مقدار مال حرام و نامعلوم بودن صاحب آن، و نیز در صورت معلوم بودن صاحب مال و مجهول بودن میزان مال بیان کنید.

پیشنهاد تحقیق

- ۱- آیا به پول پس‌اندازشده جهت تهیه مسکن یا خرید جهیزیه خمس تعلق می‌گیرد؟ نظر مرجع تقلید خود را در این باره به دست آورید.
- ۲- چنین مشهور است که «هدیه خمس ندارد»؛ با مراجعه به رساله (و استفتائات) مراجع تقلید تحقیق کنید که کدام یک از مراجع آن را واجب و کدام یک مستحب می‌دانند.

بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- اگر فرد از وسیله‌ای که خریداری کرده و فعلاً مورد نیاز وی نیست برای فرار از خمس چند بار استفاده کند آیا از شمول خمس خارج می‌گردد؟
- ۲- کسی که شغل و درآمد مستمر ندارد سال خمسی خود را چگونه باید تعیین کند؟
- ۳- آیا پرداخت خمس فقط مربوط به صاحبان مشاغل آزاد است؟ آیا ممکن است به کارمند یا دانش‌آموز نیز خمس واجب شود؟ (توضیح دهید)

وصیت

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ
 إِنْ تَرَكَ خَيْرًا
 الوصية للوالدين والأقربین بالمعروف،
 حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ^۱

بر شما نوشته شده است :
 هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد،
 اگر چیز خوبی [مالی] از خود
 به جای گذارده،
 برای پدر و مادر و نزدیکان،
 به طور شایسته وصیت کند،
 این حقی است بر پرهیزکاران.

وصیت و انواع آن

تجربه بسیار ارزشمند است. انسان‌های بزرگ، چکیدهٔ تجربهٔ خود را در قالب وصیت به فرزندان یا آشنایان خود منتقل می‌کنند تا آن را سرلوحهٔ زندگی خویش قرار دهند؛ سفارش‌هایی مملو از نکات اجتماعی و ظرایف اخلاقی. وصیت‌های ائمهٔ اطهار (علیهم‌السلام)، امام خمینی (ره)، و شهدای جنگ تحمیلی از عالی‌ترین نمونه‌های وصیت است.

هر کس می‌تواند وصیت کند؛ از توصیه‌های اخلاقی گرفته تا وصیت‌های مالی. وصیت می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد، البته اعتبار وصیت کتبی بیشتر است. انسان تا زمانی که زنده است اختیاردار اموال خویش است و پس از مرگ، اموالش در اختیار بازماندگان او قرار می‌گیرد. او حق دارد نسبت به چگونگی تقسیم یک‌سوم اموالش اظهار نظر (وصیت) کند.

۱- سورة بقره، آیه ۱۸۰

قسمتی کوتاه از وصیت یکی از بزرگان یا شهدا را انتخاب و در قالب چند سطر برای نصب در کلاس یا تابلوی مدرسه ارائه نمایید.



موارد وصیت مالی

بهترین روش تقسیم دارایی انسان پس از مرگ را خداوند در قرآن تعیین کرده است^۱. و به انسان نیز این حق را داده تا بتواند درباره اموال خویش و نحوه تقسیم آن پس از مرگ، وصیت کند. این وصیت‌ها معمولاً شامل کمک مالی به امور خیر (مانند ساخت مسجد، حسینیه، مدرسه، و کمک به نیازمندان)، گرفتن نایب برای قضا کردن نمازها و روزه‌های فوت شده، انجام سایر اعمال عبادی نظیر عمره، بهره‌مند کردن برخی اقوام یا آشنایانی که از او ارث نمی‌برند، و نظایر آن است.

وصیت مالی حداکثر تا یک سوم اموال، جایز است. و اگر کسی بیش از ثلث دارایی‌اش وصیت کند، فقط تا یک سوم آن لازم‌الاجراست و بیش از آن منوط به اجازه وارثان و گذشتن از حق شرعی آنها (وارثان) می‌باشد.

به جز وصیت ثلث که گاهی «ثلث خیریه» نیز نامیده می‌شود، در صورتی که بدهی، امانت یا حق الناسی برگردن وی باشد، واجب است آن را به اطلاع وارثان یا وصی خود برساند و در مورد ادای آن، وصیت کند؛ البته وصیت در مورد پرداخت بدهی، محدود به ثلث اموال نمی‌شود؛ بلکه مقدم بر تقسیم ارث است.



نحوه وصیت

وصیت کردن منحصر به زمان مرگ یا بیماری نیست؛ بلکه مستحب است که انسان همواره خودش را برای مرگ و حوادث غیرمترقبه آماده و با عاقبت‌اندیشی برای آینده برنامه‌ریزی کند. هر فرد مسلمان موظف است با مشاهده علائم مرگ، امانات مردم را به صاحبانش بازگرداند و بدهی خود را پرداخت یا به دادن آن وصیت کند؛ اگر دینی (مال یا غیر آن) برعهده‌اش است ادا نماید یا حلالیت بطلبد؛ همچنین اگر فرزند صغیری دارد یا سرپرستی یتیمی را برعهده دارد، لازم است برای آنان قیّم تعیین نماید.

۱- در درس بعد با برخی از این قوانین آشنا خواهید شد.

فردی که از سوی وصیت‌کننده، (موصی) عهده‌دار اجرای وصیت می‌شود «وصی» نام دارد. وصیت می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد و بهتر این است که در حضور دو شاهد عادل یا به صورت محضری انجام پذیرد تا موجب اختلاف نگردد.



در اسلام برای هر یک از طرفین وصیت، حقوق و تکالیفی وجود دارد که باید آن را رعایت نمود:

حقوق وصیت‌کننده

وارثان، و نیز وصی، موظف به رعایت موارد ذیل اند:

- ۱- توجه به «امانت» بودن وصیت‌نامه و محتوای آن، و وظیفه‌ی خطیر امانتداری و مواظبت از تحریف نشدن آن.
- ۲- احترام به حق تصرف وصیت‌کننده درباره‌ی اموال خود پس از مرگ خویش و توجه به تکلیف‌آور بودن این حق برای وصی و نزدیکان در عمل به مفاد آن (مشروط به این که خلاف شرع نباشد).
- ۳- کوتاهی نکردن و به تعویق نینداختن اجرای وصیت و عمل نمودن دقیق به آن، به عنوان تشکر از زحمات آن متوفی.

حقوق وصیت‌شوندگان

وصیت‌کننده نیز موظف به رعایت موارد زیر درباره‌ی خویشاوندان خود است:

- ۱- عدم تبعیض ناروا در وصیت بین فرزندان یا دیگر نزدیکان.
- ۲- عدم وصیت بیش از ثلث مال؛ بلکه سفارش شرع این است که جهت حفظ حقوق وارثان شرعی، کمتر از ثلث وصیت کند.
- ۳- عدم بخشش تمام اموال خود به دیگران یا امور خیر، به هنگام فوت یا نزدیک شدن آن، و احترام به حق بهره‌مندی خویشان از ارثیه.
- ۴- در نظر گرفتن منابع مالی جهت مواردی که به آن وصیت می‌کند، تا ورثه برای انجام آن به زحمت نیفتند.
- ۵- عدم وصیت به امور فتنه‌انگیز و اختلاف‌افکن.

- ۶- عدم تعیین تکلیف برای افرادی که سرپرستی آنها را بر عهده نداشته است.
- ۷- عدم محدود نمودن افراد تحت سرپرستی خود در اموری که هر فرد حق انتخاب و آزادی عمل در آن را دارد.



وصیت‌های باطل

- ۱- وصیت بیش از ثلث مال (مگر ورثه به آن راضی شوند و اجازه دهند).
- ۲- وصیت به انجام کار حرام یا کاری که موجب ظلم و تضییع حق شود.
- ۳- وصیت به اموری که در حدود اختیارات متوفی نبوده و دخالت در اموال یا امور دیگران محسوب می‌شود.



بیندیشید و پاسخ دهید



- ۱- وصیت به محروم نمودن برخی از فرزندان از ارث چه حکمی دارد؟
- ۲- مثال‌هایی شایع از وصیت‌های بدون اعتبار (باطل) را بیان کنید.

ارث

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ

مردان از آنچه پدر و مادر و
خویشاوندان (پس از مرگ خویش)
برجای گذاشته‌اند سهم دارند

وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ

و زنان (نیز) از آنچه پدر و مادر
و خویشاوندان به‌جا می‌گذارند
سهمی دارند؛

چه کم باشد و چه زیاد؛
سهمی مشخص و حتمی است.

مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ
نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

● درس پیش دربارهٔ وصیت بود. اینک با گوشه‌ای از احکام ارث آشنا می‌شویم.

اصطلاحات مبحث ارث

مُتَوَفَّى : فرد فوت شده

مُورَث : فرد متوفی که دیگران از او ارث می‌برند.

وارث : فردی که از متوفی ارث می‌برد.

وَرَاث : جمع وارث؛ به آن «وَرَثَه» نیز می‌گویند. کسانی که ارث می‌برند.

ماترک : اموال باقیمانده از متوفی (پس از کسر دیون و سایر مخارج). همچنین «ارثیه»،

«تَرَک»، و «ارث» نیز به آن می‌گویند.



قانون ارث در اسلام

{انتقال یافته از درس وصیت} مناسب‌ترین روش حفظ دسترنج افراد و رعایت حقوق شخصی آنان پس از مرگ، انتقال اموال به خویشان درجه یک و تقسیم «عادلانه» میان آنان است؛ زیرا «عزیزترین» اشخاص برای هر انسان و «دلسوزترین» افراد در حفظ دسترنج او اعضای خانواده او می‌باشند و دارایی انسان، دارایی خانواده نیز محسوب می‌شود. اطلاع از قانون اسلام در مورد ارث و انتقال دارایی انسان به بستگان نزدیک علاوه بر آرامش روحی فرد و اطمینان از هدر نرفتن تلاش‌هایش موجب استحکام پیوند خویشاوندی نیز می‌گردد.



فواید تعلق یافتن ارثیه به اقوام نزدیک را بیان نمایید.

کیفیت تقسیم ارث

اموال متوفی، مطابق قانون الهی، و نه خواست و سلیقه او، بین خویشاوندان وی تقسیم می‌گردد. طبق قانون اسلام، متوفی نمی‌تواند تمام ارث را به شخص خاصی اختصاص دهد و یا برخی از بستگان را از ارث محروم کند. متوفی قبل از مرگ خویش می‌تواند حداکثر تا یک سوم از ماترک خویش را آن‌طور که صلاح می‌داند وصیت نماید، اما نسبت به دوسوم باقیمانده هیچ حقی ندارد و مطابق قانون الهی تقسیم می‌گردد.

تقسیم ارث، پس از کسر هزینه‌های کفن و دفن و پرداخت دیون مالی میّت انجام می‌شود. این بدهی‌ها عبارت‌اند از: دیون شرعی، مانند: خمس، زکات، کفارات روزه، هزینه حج نیابتی در صورتی که حج بر وی واجب بوده است، و بدهی مالی به افراد و سازمان‌ها.

پس از پاک شدن مال از دیون شرعی و بدهی به مردم، نوبت به انجام وصیت متوفی می‌رسد؛ اگر متوفی وصیت مالی کرده باشد، به آن وصیت حداکثر تا ثلث ترکه عمل می‌شود. و اگر بیش از ثلث باشد، در صورت رضایت ورثه، به مازاد نیز عمل می‌شود. سپس باقیمانده اموال، مطابق قانون الهی بین وراث تقسیم می‌گردد.



وارثین عادی

افرادی که به طور معمول از انسان ارث می‌برند عبارت‌اند از: پدر، مادر، فرزند، همسر که سهم هر یک به شرح زیر است:

۱- همسر (زوج): یک چهارم ارثیه از ماترک؛ و در صورتی که زن فرزندی نداشته باشد، یک دوم آن به شوهر می‌رسد.

۲- همسر (زوجه): یک هشتم ارثیه ماترک؛ و در صورت نداشتن فرزند، یک چهارم آن به زن می‌رسد.

۳- پدر و مادر: هر کدام یک ششم ماترک را به ارث می‌برند.

۴- فرزندان: پس از آنکه سهم پدر، مادر و همسر، از ارث مشخص شد، مابقی بدین صورت بین فرزندان تقسیم می‌گردد: پسر «دو سهم»، دختر «یک سهم».

مثال تقسیم ارث

مسئله: مردی از دنیا رفته و ماترک او پس از پرداخت دیون و ثلث اموالش که وصیت کرده است، دوازده میلیون تومان می‌شود. ورثه او عبارت‌اند از: پدر، مادر، همسر، دو پسر و یک دختر. سهم الارث هر یک را به دست آورید.

پاسخ:

$$۱۲,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱}{۶} = ۲,۰۰۰,۰۰۰ \quad \text{سهم پدر:}$$

$$۱۲,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱}{۶} = ۲,۰۰۰,۰۰۰ \quad \text{سهم مادر:}$$

$$۱۲,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱}{۸} = ۱,۵۰۰,۰۰۰ \quad \text{سهم همسر(زوجه):}$$

کل سهم فرزندان (مابقی):

$$۱۲,۰۰۰,۰۰۰ - (۲,۰۰۰,۰۰۰ + ۲,۰۰۰,۰۰۰ + ۱,۵۰۰,۰۰۰) = ۶,۵۰۰,۰۰۰$$

با توجه به اینکه نسبت سهم فرزندی پسر، «دو» و نسبت سهم فرزندی دختر «یک»

است، مجموع سهم فرزندان پنج سهم می‌شود:

مجموع سهم‌ها : $5 = 1$ (دختر) + 2×2 (پسر)

مبلغ یک سهم (سهم فرزند دختر) : $1,300,000 = 6,500,000 \div 5$

سهم هر فرزند پسر : $2,600,000 = 2 \times 1,300,000$

تمرین

مادری از دنیا رحلت نموده و ما ترک وی، پس از جدا نمودن سایر مخارج و ثلث خیریه، شش میلیون تومان است. وارث‌های او عبارت‌اند از : همسر، یک فرزند پسر و سه فرزند دختر. سهم ارث هر کدام را به دست آورید.

طبقات ارث

وارثان به طور کلی به سه گروه تقسیم می‌شوند که هر گروه، «طبقه» نام دارد. تا زمانی که از هر طبقه حتی یک نفر وجود داشته باشد، نوبت به طبقه بعد نمی‌رسد. طبقه نخست عبارت است از : پدر، مادر و فرزندان متوفی. در صورت فوت تمام فرزندان، نوادگان به جای آنها ارث می‌برند. طبقه دوم تشکیل شده است از : پدربزرگ، مادربزرگ، خواهر و برادر. و در صورتی که هیچ‌کدام از خواهران یا برادران میت زنده نباشند، فرزندان نشان جایگزین می‌شوند. طبقه سوم متشکل از : عمو، عمه، دایی و خاله، و در صورت فوت همه، فرزندان آنهاست. * تذکر : همسر جزء طبقه خاصی نیست و همراه همه طبقات ارث می‌برد.

چند مثال :

۱- اگر برخی فرزندان متوفی قبل از فوت وی از دنیا رفته باشند و هنگام فوت فقط یک فرزند پسر زنده باشد، همه ماترک به او تعلق می‌گیرد و به وراثت فرزندان فوت شده یا نوه‌ها سهمی تعلق نمی‌گیرد.

۲- اگر میت (زن) صاحب فرزند نباشد و جز شوهر وی، فقط مادرش از طبقه اول زنده باشد، به شوهر $\frac{1}{4}$ از ماترک و به مادر $\frac{1}{4}$ از ماترک را می‌دهند. $\frac{1}{4}$ باقیمانده نیز به مادر تعلق می‌گیرد.

۳- اگر از میت فقط دو نوه و چند خواهر باقی باشند، ارثیه بین نوادگان تقسیم می‌شود و به خواهران سهمی نمی‌رسد.



چند نکته :

- * کافر از مسلمان ارث نمی‌برد، حتی اگر جزو افراد طبقه نخست باشد.
- * اگر قاتل میت، جزو ورثه مقتول باشد، از او ارث نمی‌برد؛ مگر آنکه قتل از روی عمد نباشد.
- * در صورتی که متوفی درباره فردی که به طور قانونی از وی ارث می‌برد، وصیتی از ثلث مالش کرده باشد، این فرد دوبار ارث می‌برد: ابتدا طبق وصیت و سپس طبق قانون ارث.
- ❖ **توجه :** مسائل تقسیم ارث، مبحثی مفصل و دقیق است و تبصره‌های متعددی دارد. در این درس جهت آشنایی شما عزیزان، تنها مواردی از آن ذکر شد و شما می‌توانید در صورت نیاز یا تمایل، از کتاب‌های مفصل‌تر فقهی در این زمینه یا اساتید فن کمک بگیرید.

تفاوت سهم مردان و زنان

در دین اسلام، مردان مسئول تأمین هزینه‌های افراد تحت تکفل خود هستند. زنان نیز می‌توانند در اجتماع، به کار و کسب بپردازند، ولی وظیفه‌ای نسبت به تأمین هزینه‌های زندگی ندارند و درآمدشان در اختیار خودشان است. بنابراین، در قوانین اسلامی، سهم ارث آنان نصف مردان تعیین شده است؛ البته این به معنای نصف شدن بهره زن نیست؛ زیرا گرچه مردان دو سوم دارایی را به ارث می‌برند و زنان فقط یک سوم، ولی سهم مردان نیز در زندگی مشترک در اختیار آنان قرار می‌گیرد؛ لذا این تقسیم ارث، عادلانه‌ترین روش تقسیم ارث است.

ممکن است گفته شود برخی از زنان یا مردان ممکن است ازدواج نکنند یا گاهی هزینه زندگی بر عهده زن می‌افتد (مانند زنان بی‌سرپرست و یا بی‌شوهر)؛ پاسخ این است که قوانین الهی همانند تمام قانون‌ها هماهنگ با نیاز غالب افراد جامعه تنظیم می‌شود نه بر اساس استثنایها، و در اسلام اصل بر این است که افراد ازدواج کنند و مرد نیز مسئول پرداخت خرجی همسر و فرزندان می‌باشد.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است سهم زنان همیشه نصف مردان نیست؛ بلکه در برخی موارد مساوی و حتی بیشتر از مرد است؛ سهم مادر با پدر یکسان است،

سهم دختر (تک فرزند) بیشتر از پدر می‌باشد و

با کمک متن بالا به این پرسش‌ها پاسخ دهید :

- ۱- چرا در اسلام سهم ارث دختران کمتر از پسران تعیین شده است؟ حکمت این امر چیست؟
- ۲- برخی از مواردی را که سهم ارث زنان همانند سهم مردان است نام ببرید.

بهترین ارث

امام علی(علیه السلام) : خَيْرُ مَا وُرِّثَ الْآبَاءُ الْآبْنَاءُ الْأَدْبُ.

غررالحکم، ص ۳۵۹

بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به ارث می‌گذارند، است.

احکام کسب و کار

عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ :
 امیر المؤمنین (علیه السلام)
 سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ^(ع) يَقُولُ عَلَى الْمِنْبَرِ : نقل می کند که امیر المؤمنین بر
 فراز منبر می فرمود :
 يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ،
 ابدا فقه را بیاموزید، سپس به کسب و
 الفِقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ،
 کار و تجارت پردازید.
 ابدا فقه را بیاموزید، سپس به کسب و
 الفِقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ،
 کار و تجارت پردازید.
 ابدا فقه را بیاموزید، سپس به کسب و
 الفِقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ،
 کار و تجارت پردازید.
 وَ اللَّهُ لَلرِّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ
 این امت،
 أَخْفَى مِنَ ذَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا^۱.
 پنهان تر از حرکت مورچه بر سنگ
 سیاه است.

● در ادامه مباحث اقتصادی، در این درس با احکام داد و ستد آشنا می شویم.

دیدگاه اسلام نسبت به کسب و کار

تلاش برای روزی حلال، در دین اسلام، عبادت محسوب می شود و افرادی که برای رفع نیاز خانواده از آسایش خود می گذرند، «مجاهد در راه خدا» به شمار می روند : **الكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ**^۲

۱- الکافی، ج ۵، ص ۱۵۰
 ۲- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهُ، ج ۳، ص ۱۶۸.

مالک حقیقی تمام عالم، خداوند است. انسان‌ها مالک «اعتباری» اموال خود هستند و وظیفه دارند که به طور صحیح از آنها استفاده کنند نه اسراف کنند و نه بخل بورزند، و نه از مقصد اصلی خویش و یاد خدا غافل شوند: **رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ**^۱.



انواع داد و ستد در اسلام

هر نوع داد و ستدی بر دو گونه است: صحیح یا باطل. قرارداد صحیح، قراردادی است که طبق شروط لازم در اسلام منعقد شده باشد، و در نتیجه، مالکیت کالا از فروشنده به خریدار و مالکیت پول (=ثمن) از خریدار به فروشنده منتقل گردد. باطل بودن قرارداد به معنای «عدم انتقال مالکیت کالا و ثمن، بین فروشنده و خریدار» است؛ در این صورت، خریدار باید کالا را به فروشنده بازگرداند، و فروشنده ملزم به پرداخت مبلغ دریافتی است. توجه داشته باشید که باطل بودن قرارداد، همیشه به معنای حرام بودن آن نیست؛ البته اگر پس از آگاهی از بطلان قرارداد، یکی از دو طرف از بازگرداندن مال خودداری کند، «غصب» محسوب شده و مرتکب حرام شده است.

داد و ستد از نظر نوع کالا و شرایط، انواع مختلفی دارد که در این کتاب با چند نوع رایج آن، مانند بیع، اجاره و مضاربه آشنا خواهید شد.



خرید و فروش (بیع)

«بیع» قراردادی دوجانبه میان خریدار (مشتري) و فروشنده (بایع) است که بر طبق آن، تبادل کالا و مبلغ آن، همراه با رضایت و موافقت دو طرف صورت می‌گیرد. این پیمان در معاملات با ارزش، مانند خرید مسکن و خودرو به صورت کتبی، و در معاملات کم‌ارزش مانند خرید مایحتاج منزل به صورت شفاهی یا **مُعاطات** انجام می‌پذیرد.

امروزه بیشتر داد و ستدهای مردم به صورت «معامله» صورت می‌گیرد، یعنی دو طرف معامله بدون آنکه چیزی بنویسند یا بگویند، کالا و پول را مبادله می‌کنند.

خرید و فروش کالا (=مبیع)، بر حسب زمان تحویل کالا و زمان پرداخت مبلغ، سه گونه است:

نقد: تحویل کالا و پول، به صورت هم‌زمان

نسیه: تحویل کالا در زمان انعقاد قرارداد، و پرداخت مبلغ در زمان آینده.

سَلَف (پیش خرید) : پرداخت مبلغ کالا در زمان انعقاد قرارداد و تحویل کالا در زمان آینده.
اینک به بررسی شرایط صحت داد و ستد می‌پردازیم :
الف) شرایط خریدار و فروشنده : هر یک از دوطرف باید شرایط زیر را هنگام خرید و فروش داشته باشند، وگرنه بیع باطل است :

- ۱- عقل : پس داد و ستد با سفیه یا دیوانه صحیح نیست.
 - ۲- بلوغ : داد و ستد با بچه باطل است، مگر در کالاهای کم‌ارزش و با کودکان ممیز.
 - ۳- مالکیت : بنابراین فروختن اموال دیگران بدون اجازه آنان، موجب انتقال مالکیت نمی‌شود.
 - ۴- قصد جدی : پس اگر یکی از دو طرف قصد شوخی داشته باشد قرارداد منعقد نمی‌شود.
 - ۵- اختیار : بنابراین، اگر کسی را مجبور به خرید یا فروش کنند، معامله صحیح نیست.
- ب) شرایط فسخ خرید و فروش :** پس از تبادل کالا و پول هیچ‌کدام از دوطرف بدون رضایت و توافق دیگری، حق بر هم‌زدن معامله را ندارند، مگر در مواردی که ذکر خواهد شد؛ البته در صورت پشیمان شدن یکی از دوطرف و درخواست از طرف مقابل، قبول این درخواست و پس‌گرفتن قرارداد (إقالة)، از مستحبات مورد سفارش است.

امام صادق (علیه السلام) :
هر مسلمانی کالای فروخته شده را از خریدار پشیمان پس بگیرد، خداوند سبحان در روز قیامت اشتباهات او را نادیده می‌گیرد.
کافی، ج ۵، ص ۱۵۳

در موارد زیر می‌توان قرارداد را یک جانبه فسخ نمود :

- ۱- قبل از خروج دوطرف از محل معامله.
- ۲- ضرر و زیان قابل توجه یکی از دوطرف بر اثر بی‌اطلاعی یا فریب خوردن.
- ۳- معیوب بودن کالا؛ در این صورت، مشتری پس از اطلاع، یکی از سه کار را می‌تواند انجام دهد : فسخ و پس‌دادن کالا، رضایت دادن به همان کالای معیوب بدون دریافت مابه‌التفاوت، دریافت مابه‌التفاوت (أُش).
- ۴- شرط فسخ در ضمن قرارداد، از سوی یکی از دوطرف.
- ۵- تأخیر بیش از سه روز در تحویل کالا.
- ۶- منافات داشتن وضعیت کالای تحویلی با مشخصات وصف شده.



با توجه به شرایط مشتری و بائع :

خرید و فروش با سفیه است، همین‌طور با نوجوان نابالغ داد و ستد نمود، مگر در مورد کالاهای اگر یک نفر کالایی را بدون رضایت صاحبش به فروش رساند، چنین داد و ستدی صحیح ، اما اگر پس از تبادل کالا و پول آن، صاحبش راضی شود آن داد و ستد است و بیع نام دارد.

خرید کالا با پول غصبی است. اگر فرد به شوخی کالای خود را بفروشد و مشتری نیز بداند، پس از تبادل کالا و مبلغ، مشتری حق آن را پس ندهد. اگر پس از فروش زمین معلوم شد وقفی بوده، فروشنده پول گرفته شده را به خریدار شخصی که بدون اختیار و از روی و تهدید، مجبور به کالای خود به شخص ثالث شده، می‌تواند با مراجعه به خریدار و مبلغ دریافتی، کالای خود را بگیرد؛ در این صورت خریدار به سبب انعقاد قرارداد رسمی، حق از پس دادن کالا امتناع نماید.

۱- در صورتی که خریدار حق فسخ داشته باشد، فروشنده ملزم به قبول آن و پس دادن مبلغ دریافتی، و در صورت استنکاف از آن، مرتکب شده و پول دریافت شده، حکم مال را دارد.

۲- در صورتی که پس از اتمام قرارداد و تبادل کالا، مشتری شرط فسخ کند، عمل به آن لازم و فروشنده حق مبلغ را پس

بیندیشید و پاسخ دهید



- ۱- ضرر انجام بیع باطل، متوجه کدام یک از دو طرف می‌شود؟
- ۲- چرا رضایت دو طرف برای انجام بیع کافی نیست؟
- ۳- حکمت بطلان خرید و فروش با نابالغ چیست؟
- ۴- در صورتی که فروشنده از پذیرش حکم فسخ امتناع نماید وظیفه خریدار چیست؟

معاملات حرام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: رَسُولُ خِدا فَرَمُودَنَدُ:
عِبَادَةُ هَفْتاد جُزء دَارِد
كِه بَرْتَرِين آن، كَسْب حَلال اسْت.
الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءاً
أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلالِ^۱.

● در درس قبل با شرایط صحت و احکام خرید و فروش آشنا شدیم. در این درس با کسب و کارهای حرام آشنا می‌شویم.

اهمیت کسب حلال

کار و تلاش برای تأمین نیازهای زندگی مورد سفارش اسلام است، اما باید از راه راست و به شکل حلال باشد؛ زیرا خوردن مال حرام انسان را از مسیر دین خارج می‌سازد و او را بنده پول و دنیا می‌گرداند. حتی اگر نماز بخواند و روزه بگیرد یا حج برود، کارهای عبادیش نیز قبول نمی‌شود؛ زیرا لباس و مکان نمازگزار و هزینه سفر حج باید از مال حلال باشد؛ لذا رسول خدا در روایت بالا فرمودند: کسب حلال مهم‌ترین عبادت است.

انواع معاملات وام

۱- خرید و فروش مطالب گمراه‌کننده و باطل: شامل کتب، نشریات، نرم‌افزار، فیلم‌ها و

۱- کافی، ج ۵، ص ۷۸

دیگر محصولات فرهنگی که موجب شک در اعتقادات دینی گردد و نیز مطالب منحرف‌کننده فکری یا اخلاقی که منجر به بی‌توجهی یا سهل‌انگاری نسبت به دین و احکام آن شود.



مطالعه کتاب‌های انحرافی از روی کنجکاوی چه خطراتی دربردارد؟ راه معقول برای آگاهی از افکار مختلف و نقد آنها چیست؟

۲- شعبده‌بازی، سحر و مانند آن: کافران، پیامبران را ساحر معرفی می‌کردند و معجزه را نوعی تردستی یا جادوگری می‌پنداشتند. اسلام جهت جلوگیری از سوء استفاده افراد فرصت‌طلب در فریب مردم، یا القای شک و تردید در باورهای آنان، شعبده‌بازی و جادوگری را ممنوع کرده و درآمد حاصله از انجام یا آموزش آن را حرام کرده است. غیر از شعبده‌بازی که امروزه بیشتر برای سرگرم کردن مردم استفاده می‌شود، اموری مانند «سحر» که با انجام اعمال شیطانی، در جسم و روح شخص سحر شده اثر می‌گذارد و موجب تغییر در وضعیت روحی و رفتاری وی می‌گردد از نظر اسلام حرام است.



تفاوت دعا خواندن را با برخی اعمال توصیه شده از سوی شیادین برای دفع گرفتاری‌ها مقایسه کنید.

۳- وسایل غیر مجاز فرهنگی: تولید، توزیع و خرید و فروش آلبوم‌های موسیقی غیرمجاز و فیلم‌های مبتذل و مستهجن حرام است. همچنین انتشار غیرقانونی محصولات مجاز، جایز نیست.



معیار تشخیص مجاز یا غیرمجاز بودن یک کالای فرهنگی چه مرجعی است؟

۴- ابزار و آلات قمار، ماهواره و دیگر ابزار مشترک غالب در حرام : برخی وسایل، اختصاص به استفاده در کار حرام دارند؛ مانند آلات قمار، و برخی مشترک اند. خرید و فروش ابزار مشترک به افرادی که قصد استفاده حرام از آن را دارند «گناه» محسوب می‌شود؛ مانند فروش انگور به کسی که قصد تولید شراب از آن دارد. خرید و استفاده از وسایلی که معمولاً استفاده غیر حلال از آنها می‌شود، حتی به قصد استفاده حلال از آن نیز جایز نیست؛ مانند ظروف مخصوص مشروبات الکلی یا ابزارهایی مانند فیلترشکن اینترنت، و دریافت کننده ماهواره که چون می‌تواند موجب انحراف خانواده و فرزندان شود، بنابر فتوای مراجع تقلید حرام است.



۱- کدام خصوصیت در برنامه‌های ماهواره‌ای، مانع استفاده از آن حتی به قصد مشاهده برنامه‌های سالم آن می‌شود؟

۲- راه‌های صحیح بهره‌مندی از اطلاعات روز جهان و مشاهده برنامه‌های سالم رسانه‌ها چیست؟

۵- تقلّب در کالا یا پول، و غشّ در معامله : از دیگر موارد معاملات حرام، فریب مشتری یا خریدار است؛ غش در داد و ستد به معنای آمیخته کردن جنس نامرغوب با مرغوب، بدون اطلاع مشتری است؛ مانند اضافه کردن آب در شیر، آمیختن برنج بد با خوب، مخلوط کردن روغن نباتی با روغن حیوانی.

۶- خرید و فروش مواد حرام و نجس : شامل گوشت خوک، گوشت مردار، گوشت‌های ذبح‌شده به طریقه غیراسلامی و مشروبات الکلی. خرید و فروش خون جهت استفاده در مصارف پزشکی و نجات جان بیماران، جایز است. همین‌طور خرید و فروش (و نگهداری) سگ نکهبان یا شکاری جایز است.

۷- ربا : معاملات ربوی، در قرآن و روایات، از شدیدترین گناهان کبیره است. ربا به معنای زیادی، و در اصطلاح عبارت است از دریافت بیش از حقّ خود در داد و ستد یا قرض. همان‌طور که گرفتن ربا از دیگران حرام است، قبول قرارداد ربوی و دادن ربا نیز با هر توجیه یا بهانه‌ای، حرام است.

«ربا» برخلاف نامش، نه تنها موجب زیاد شدن دارایی انسان نمی‌گردد؛ بلکه به اراده خداوند، نابود می‌شود و از بین می‌رود: «يَمْحَقُ اللَّهُ التَّرْبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ»^۱. در روایتی از امام صادق (ع) درباره این آیه پرسیدند: «چگونه است که گاهی می‌بینیم کسی که ربا می‌خورد مالش افزایش می‌یابد؟!» و امام (ع) پاسخ فرمودند: «و کدام نابودی بالاتر از نابود کنندگی یک درهم ربا؟! دین او را نابود می‌سازد و اگر عملش را ترک نکند و توبه ننماید، دارایی‌اش از بین می‌رود و فقیر می‌شود»^۲.

نابودی و ویرانگری از آثار جدایی‌ناپذیر «ربا» است همچنان که برکت و نمو، از اثرات لاینفک «صدقه» و «خمس» است. پس «ربا» هر چند نامش ربا (زیادی) است، ولی «از بین رفتنی» است، و صدقه هر چند که نامش را زیادی نگذاشته باشند، زیاد شدنی است. لذا در آیه فوق، وصف ربا (یعنی زیاد شدن) را از ربا می‌گیرد و به صدقه (به معنای زکات) می‌دهد، و ربا را به گونه‌ای که ضد اسم او است توصیف می‌کند.

آثار زیانبار ربا در جامعه

خداوند در قرآن با لحن شدیدی اعلام می‌دارد: «و اگر دست از رباخواری برنمی‌دارید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده او برخاسته‌اید» (بقره، ۲۷۹). خداوند در آیات مربوط به ربا (آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹ بقره) چنان شدتی به کار برده است که درباره هیچ گناهی، جز پذیرفتن سلطه دشمنان دین، به کار نبرده است؛ چرا که آثار زیانبار ربا، اساس دین و زندگی انسانی را از بین می‌برد؛ رباخوار با گرفتن پول بلاعوض از دیگران، خون فقیران را در شیشه می‌کند و با افزایش روزانه ثروت خود، به اختلاف طبقاتی و دشمنی دامن می‌زند، و با از بین بردن روحیه شفقت و مهربانی باعث تشدید اختلاف و ناامنی در جامعه و ترویج مادی‌گرایی می‌شود.

فرد رباخوار به جای کار و تلاش برای تولید، تهیه و توزیع کالا در میان جامعه، و شرکت در سود و زیان ناشی از تجارت، با سرمایه‌ای که در دست وی به امانت است و وظیفه دارد آن را به نفع خود و جامعه خویش صرف نماید، مبادرت به سوء استفاده کرده

۱- خداوند خیر و برکت ربا را می‌ستاند و آن را به سوی نابودی سوق می‌دهد، ولی صدقات را افزایش می‌دهد. (سوره بقره، آیه ۲۷۶)

۲- وسایل الشیعه ج ۱۸، ص ۱۱۹

و به هنگام احتیاج دیگران به آن سرمایه، زیادتز از آنچه را می‌دهد طلب می‌کند. انسان رباخوار به ثروت‌اندوزی می‌پردازد و افراد ضعیف روز به روز فقیرتر گشته و این امر موجب سلطه‌ی وی بر مردم می‌گردد. از یاد نبرده‌ایم کشورهای فقیری را که در استقراض از دولت‌های استعماری غرق شده‌اند و توان بازپرداخت بدهی خود و بیرون آمدن از سلطه‌ی بیگانگان را پیدا نمی‌کنند.

انواع ربا

ربا بر دو گونه است: ربا در داد و ستد، و ربای قرضی.

۱- ربا در داد و ستد: عبارت است از مبادله دو کالا از یک جنس، همراه با دریافت مقدار اضافی؛ مانند معاوضه‌ی یک کیلو برنج اعلا با دو کیلو برنج عادی، یا تعویض بیست گرم طلای دست دوم با ده گرم طلای نو. حرمت ربا در جایی است که کالا در برابر کالا قرار گیرد، اما اگر هر کدام از کالاها در برابر پول معامله شود و جداگانه قیمت‌گذاری و خرید و فروش شود اشکالی ندارد.



۱- طرز صحیح تعویض طلای کارکرده با طلای نو را بیان کنید.

۲- ربای در قرض: عبارت است از قرض دادن به دیگری، به شرط دریافت مبلغی زیادتز؛ خواه به‌طور صریح شرط کنند، یا پرداخت قرض مبتنی بر آن باشد. این نوع ربا شدیداً حرام است.



برخی روش‌ها برای رهایی از ربا رواج یافته که به «کلاه شرعی» معروف‌اند، زیرا رهایی واقعی از ربا نیست و حرمت آن مبلغ اضافی را تصحیح نمی‌کنند. با استفاده از اطلاعات عمومی خود و یا مراجعه به کتاب‌های فقهی، چند نمونه از این راه‌ها را ذکر کنید. سپس راه‌حلی غیر از قرض دادن را بیابید که خالی از ربا باشد.



بیندیشید و پاسخ دهید



- ۱- تفاوت معاملات حرام را با باطل بیان کنید.
- ۲- فلسفه تحریم ربا در اسلام چیست؟
- ۳- تفاوت سود بانکی با ربا چیست؟

اصطلاحات اقتصادی اسلام (۱)

• در این درس با برخی اصطلاحات اقتصادی که در فقه اسلامی کاربرد دارد و دانستن آنها لازم است، به طور مختصر آشنا می‌شویم.

۱- آنفال

آنفال از لحاظ لغوی جمع نفل و به معنای بخشش است و در اصطلاح فقهی عبارت است از منابع طبیعی که در اختیار کشور و جامعه اسلامی قرار دارد؛ مانند جنگل‌ها و معادن و دریاها. این موهبت‌های خدادادی، اموال عمومی و مالکیت آن در اختیار حکومت اسلامی است تا در ضرورت‌های اجتماعی و مصالح جامعه به کار گرفته شود. نحوه استفاده از آن را پیامبر و جانشینان وی تعیین می‌کنند.



با مراجعه به تفاسیر قرآن درباره آیه نخست سوره آنفال تحقیق نموده و آن را به کلاس ارائه نمایید.



۲- وقف

وقف یعنی در راه خدا، مال خود را از ملکیت شخصی خارج و استفاده از آن را عمومی کنیم. وقف از کارهای پسندیده و سفارش شده است و به منظور کسب ثواب اخروی و به جا گذاشتن صدقه جاریه و استفاده عموم مردم یا گروهی خاص (مانند ایتم) است. خرید و فروش مال موقوفه ممنوع است و شرایط استفاده از آن بستگی به مفاد مندرج در وقف‌نامه دارد.

برخی چاه‌های حفر شده در مدینه که تا امروز باقی است، حاصل تلاش امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) است که آنها را در راه خدا وقف نموده تا پس از حیات خویش از ثواب «صدقه جاریه» بهره‌مند گردد.



چند موقوفه از شهر خود را نام ببرید.



۳- هبّه

هبه یا هدیه عبارت است از اینکه شخصی مال خود را به طور مجانی و بدون گرفتن عوض، به دیگری ببخشد و تملیک کند. هدیه دادن موجب افزایش محبت و رفع کدورت می‌گردد؛ لذا در دین اسلام به آن سفارش شده است.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

به یکدیگر هدیه دهید و محبت کنید؛ به همدیگر هدیه دهید که موجب رفع کینه و

کدورت می‌شود. (وسائل‌الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۷)

هدیه دادن به ویژه به خویشان و اقوام، بسیار سفارش شده و از موارد صلّه رحم است. پذیرفتن هدیه و رد نکردن آن نیز جزو تأکیدات اسلام است، اما پذیرش رشوه به نام هدیه جایز نیست.



اگر پس از قول و قرار بخشش و قبل از تقدیم آن، یکی از دو طرف فوت کند، تکلیف آن مال چه می‌شود؟

عبارت

«شگفت‌آورتر اینکه شبانه کسی به دیدار ما آمد^۱ و ظرفی درپوشیده پر از حلوا همراه خود آورده بود؛ چنان از آن متنفر شدم که گویی آن را با بزاق ماری سمی مخلوط کرده‌اند! بدو گفتم: این هدیه است یا زکات یا صدقه؟ که زکات (صدقه واجب) بر ما اهل بیت حرام است. گفت: نه زکات است و نه صدقه، بلکه هدیه است! گفتم: زنان بچه‌مرده بر تو بگریند! آیا از راه دین خدا وارد شده‌ای تا مرا فریب دهی؟ یا عقلت آشفته شده و هذیان می‌گویی؟! به خدا سوگند اگر هفت اقلیم و آنچه زیر آسمان‌ها است را به من دهند تا درباره یک مور نافرمانی خداوند را به جا آورم و پوست جوی را از او بگیرم، چنین نخواهم کرد!»^۲



با توجه به عبارت فوق، چگونگی تشخیص هدیه را از رشوه بیان کنید.



۴- قرض

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا
يُضَاعِفْهُ لَكُمْ
وَيَغْفِرْ لَكُمْ
وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ.

اگر به خداوند قرضی نیکو دهید،
آن را برایتان دو برابر ساخته
و شما را می‌آمزد؛
و خداوند بسیار سپاسگزار و بردبار است.
(سوره تغابن، آیه ۱۷)

قرض عبارت است از قراردادی که شخص در مقابل دریافت مال از قرض دهنده، پرداخت همان مال یا قیمت آن را به وی برعهده می‌گیرد. گره‌گشایی از کار دیگران و قرض دادن به کسی که نیازمند آن باشند، مورد سفارش اسلام و دارای اجر فراوان است. البته قرض گرفتن از دیگران در

۱- وی اشعث بن قیس بود که فردای آن روز قرار بود به پرونده وی در دادگاه رسیدگی شود.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

صورت عدم ضرورت، مکروه و ناپسند است.



با مراجعه به تفاسیر قرآن، خصوصیاتِ را که موجب حسنه بودن قرض می‌گردد، بیان نمایید.

قرض دادن به دو صورت است: «مدت دار» و «بدون مدت». در قرض «مدت دار» زمان پرداخت بدهی تعیین می‌گردد برخلاف «بدون مدت» که در آن زمان پرداخت قید نشده است. قرض‌گیرنده موظف است با فرا رسیدن زمان پرداخت بدون هیچ عذری بدهی خود را بپردازد. البته اگر هنگام سررسید بدهی، بدهکار تنگدست باشد، طلبکار باید به وی مهلت دهد تا بدهکار توان بازپرداخت بدهی را پیدا کند.

مستحب است بدهکار مبلغی مازاد بر آنچه قرض گرفته برگرداند و گرفتن این پول برای قرض‌دهنده، در صورتی که از ابتدا شرط نکرده باشند، جایز است. اما اگر قرض‌دهنده شرط کند که بیش از آن مقدار که پرداخت کرده دریافت کند، حتی اگر مقدار آن را مشخص نکنند، ربا و از گناهان کبیره است.



از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرمود:
«کسی که به برادر مسلمان خود قرض دهد برای هر دره‌می، حسنه‌ای همسنگ کوه اُحُد دارد. و اگر در مطالبه قرض، با وی مدارا کند او را بدون حساب از پل صراط عبور می‌دهند.
و اگر کسی برادر مسلمانش نزد او از تهی دستی شکایت کند و او به وی قرض ندهد، خدای تعالی در روزی که پاداش نیکوکاران را می‌دهد او را از بهشت محروم می‌سازد».

تحریر الوسیله حضرت امام خمینی، ج ۳

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که:

«بر سر در بهشت نوشته است: صدقه دادن ده ثواب و قرض دادن هجده ثواب

کنز العمال ج ۶، ص ۲۱۸

دارد.»



قرض دادن علاوه بر رفع مشکلات اقتصادی افراد ممنوع موجب برطرف شدن غم و اندوه آنها و حفظ آبروی نیازمندان می شود و به این طریق موجب تقویت اتحاد بین افراد جامعه احساس رضایت از زندگی می گردد.



۵- رهن

رهن قراردادی است که مطابق آن، طلبکار از بدهکار چیزی را گرو می گیرد و تا زمان دریافت طلبش آن را به امانت نزد خود نگهداری می کند؛ مانند اینکه بانک در قبال پرداخت وام، سند منزل را گرو بگیرد و نزد خود نگاه دارد. این کار موجب اطمینان از پرداخت بدهی می گردد. گروگیرنده حق ندارد بدون اجازه گروگذار در رهن تصرف کند.

برای مطالعه

امروزه اصطلاح رهن به نوعی اجاره نیز گفته می شود که مستأجر به جای پرداخت اجاره ماهیانه، مقداری پول را به عنوان رهن نزد صاحبخانه امانت گذاشته و در آخر سال آن را دریافت می کند. این نوع اجاره به شرطی صحیح است که مبلغی را نیز، به عنوان اجاره ماهیانه تعیین کنند و مبلغ رهن را به عنوان قرض الحسنه و در قالب شرط ضمن عقد اجاره به موجر تسلیم کنند.

۶- اجاره

عقدی است که مطابق آن، حق بهره برداری از منافع کالا یا کار انسان، در مدت مشخص، به شخص دیگر واگذار شده و در قبال آن، مبلغ معینی دریافت می گردد. اجاره بر دو نوع است: ۱- منافع کالا؛ مانند اجاره ملک، ماشین و مانند آن. ۲- کار و تلاش انسان؛ مانند استفاده از خدمات کارمندان

و کارگران. در نوع اول، اجاره‌دهنده را «موجر» و اجاره‌کننده را «مستأجر» می‌نامند و در نوع دوم، کارگر یا کارمند را «مستخدِم» و قرارداد اجاره را «استخدام» نیز می‌گویند. عقد اجاره نیز شرایط و احکام خاصی دارد.



بیندیشید و پاسخ دهید



- ۱- در حال حاضر اختیار انفال در دست کیست؟
- ۲- تغییر در مصرف موقوفه منوط به تحقق چه شرایطی است؟ چند مثال بزنید.
- ۳- علت برتری قرض دادن نسبت به صدقه و کمک مالی چیست؟
- ۴- برتری‌های رهن گرفتن را بر اخذ چک، سفته و ضامن برشمارید.
- ۵- اگر یکی بگوید: «شما قرض بدهید، بنده هم حتماً به نوعی جبران می‌کنم» آیا ربا محسوب

می‌شود؟

اصطلاحات اقتصادی اسلام (۲)

● در درس پیشین با برخی اصطلاحات اقتصادی آشنا شدیم. در این درس با برخی دیگر آشنا می‌شویم.

۷- وکالت

وکالت عبارت است از قراردادی که مطابق آن، انجام برخی از کارهای خود را به دیگری واگذار کنیم. مانند اینکه کسی را مأمور فروش منزل خود کنیم تا از طرف ما خانه را به قیمت مناسب بفروشد. او «وکیل» ماست و به ما که اختیار قانونی برای تصمیم‌گیری را به او داده‌ایم «موکل» می‌گویند. این نوع قرارداد می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد. اختیارات «وکیل» مطابق توافق بین او و «موکل» است و نباید از آن تخطی کند؛ یعنی موکل نیز هر زمان که بخواهد می‌تواند وکیل را عزل نماید.



با کمک دبیر خود، مواردی از کاربردهای رایج وکالت را در زندگی روزمره نام

ببرید.



۸- مضاربه

برخی توانایی کار دارند، ولی سرمایه ندارند، برخی نیز سرمایه دارند، ولی امکان یا توان کار ندارند. مضاربه عبارت است از قرارداد همکاری بین دو نفر به گونه‌ای که یکی عهده‌دار سرمایه و دیگری عهده‌دار کار می‌شود و سود و زیان میان آن دو به نسبتی که توافق می‌کنند تقسیم می‌گردد.

❖ **توجه:** از آنجا که میزان سود در فعالیت‌های اقتصادی نامعلوم است، طرفین باید چگونگی تقسیم سود را به صورت درصدی از سود نهایی تعیین نمایند و اگر مبلغ مشخصی را به عنوان سود تعیین کنند، ربا می‌شود.



تفاوت این دو قرارداد را با یکدیگر بیان کنید و علت ربا بودن قرارداد دوم را توضیح دهید؟



۹- صلح

در امور روزانه و داد و ستدها گاهی ابهام یا اختلاف نظر پیش می‌آید و تعیین حق طرفین دشوار یا غیرممکن می‌شود. در این موارد بهترین راه، «مصالحه» و رضایت طرفینی است؛ به این صورت که هر دو طرف در مورد انتقال مالکیت، یا حق استفاده از کالا، به یک توافق برسند و حق احتمالی خود را بیخشند و حلال کنند.

۱۰- ضَمان

ضمان عبارت است از به‌عهده گرفتن بدهی فردی دیگر که اگر او پرداخت نکرد، ضامن پرداخت کند. مثل اینکه شما ضامن کسی شوید و به طلبکار بگویید: «من بدهی فلان شخص را که به شما بدهکار است ضمانت می‌کنم». در نتیجه، آن دین از ذمه بدهکار به ذمه ضامن منتقل می‌شود و او در صورت عدم پرداخت، بعد از پرداخت وجه الضمان، می‌تواند آن مقداری را که به طلبکار پرداخته از او مطالبه کند.



هر انسانی در قبال کارهای خود مسئول است و باید پاسخگو باشد. این مسئولیت در مواردی که مربوط به اموال یا حقوق دیگران (حق الناس) می‌شود شدیدتر است و بی‌توجهی به آن نتایج ناگواری در دنیا و آخرت به دنبال دارد.

هر کس بر اثر بی‌احتیاطی بر اموال دیگران خسارتی وارد کند مُلزم به پرداخت خسارت و در اصطلاح فقهی «ضامن» است؛ مثلاً اگر وسیله‌ای را به دوست خود عاریه دهید (به اصطلاح عرفی امانت دهید تا استفاده کند) و بر اثر اتفاق (و نه سهل‌انگاری) آسیبی به آن وارد آید حق گرفتن خسارت از دوست خود را ندارید! ولی اگر در مغازه کالایی را جهت مشاهده بردارید و از دستانتان به زمین بیفتد باید خسارت آن را پرداخت کنید . . . :



۱۱- لُقْطَه

لقطه به شیء پیدا شده‌ای گفته می‌شود که مالک آن مشخص نیست؛ مانند اشیای جامانده، یا مسروقه‌ای که در اماکن عمومی یا شخصی پیدا می‌شود. در صورت برداشتن، شخص ضامن نگهداری و رساندن آن به مالک اصلی خواهد بود.

در مواردی که برداشتن، آن شیء موجب تلف شدن آن شود، جایز است فرد مسلمان این مسئولیت را برای حفظ حقوق دیگر برادران دینی خود بر عهده گرفته و اقدام به نگهداری آن نماید. در این صورت وی موظف است تا یک سال به جست‌وجوی مالک آن کالا بپردازد و آن را در اماکن عمومی اعلان نماید. سپس در صورت پیدا نشدن صاحب آن، از طرف صاحبش آن را صدقه دهد یا نزد خود به امانت نگاه‌دارد یا اینکه برای خود بردارد به شرط اینکه اگر صاحبش پیدا شد به وی بدهد.



اگر پولی را پیدا کنید و صاحبش را شناسید چه می‌کنید؟ آیا انداختن آن در صندوق صدقه صحیح است؟



۱۲- جُعَالَه

نوعی قرارداد یک طرفه است که فرد متعهد می‌شود به هر شخصی که کار مورد نظر او را انجام دهد، پاداش معینی پرداخت کند.



مثال‌هایی در مورد جعاله ذکر کنید.



بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- تفاوت «وکالت» با «وصیت» چیست؟
- ۲- کاربرد «مضاربه» در عقود بانکی (حساب‌های پس‌انداز) به چه صورت است؟
- ۳- آیا می‌توان قرض ربوی را به وسیله «صلح» حلال و شرعی کرد؟ نظر مرجع خود را بنویسید.
- ۴- آیا «جعاله» همان «مژدگانی» است؟ تفاوت آن‌دو را بیان کنید.



منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه‌های محمد مهدی فولادوند و آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی
- ۳- تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)
- ۴- رساله نوین، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی
- ۵- رساله توضیح المسائل مراجع
- ۶- تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)
- ۷- تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی و جمعی از محققان
- ۸- مسئله حجاب، استاد شهید مرتضی مطهری
- ۹- بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی
- ۱۰- حماسه حسینی، ج ۲، استاد شهید مرتضی مطهری
- ۱۱- تحف العقول، ابو محمد بحرانی (ره)
- ۱۲- اصول کافی، شیخ کلینی (ره)
- ۱۳- فروع کافی، شیخ کلینی (ره)
- ۱۴- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق (ره)
- ۱۵- الخصال الشیعه، شیخ صدوق (ره)
- ۱۶- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی (ره)
- ۱۷- مستدرک الوسائل، محدث نوری (ره)
- ۱۸- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد آمدی
- ۱۹- الکُنئی و الالقاب، محدث قمی ج ۲
- ۲۰- کنز العمال، متقی هندی ج ۶

